

## از کارگران معادن کرمان حمایت کنیم!

در باره وضعیت پزشکی رفیق سعید آرمان

## قطعنامه های اول مه، روز جهانی کارگر

در یک نگاه

## تحریم اقتصادی را توجیه نکنید!

صفحه ۸

رحمان حسین زاده

## پیرگشی، کرونا و سرمایه داری

صفحه ۹

آذر ماجدی

## اوضاع اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی و گسترش دوباره مبارزات

### کارگری و اجتماعی در ایران

صفحه ۱۱

نادر شریفی

## تشدید بیکاری و فقر، مرگ تدریجی کارگران

اتحاد علیه بیکاری، یک تقابل سازمانیافته کارگری

صفحه ۱۲

سعید یگانه

## زندانیان؛ از وعده آزادی تا اعدام!

صفحه ۱۴

جاوید حکیمی

## از پرولتاریا تا "پریکریات"

"سوسیالیسم فقر" و اتوپی "بهشت سیاسی" سرمایه داری

صفحه ۱۵

سیاوش دانشور

۵۴۱

# مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۹ - ۱ مه ۲۰۲۰

اعلامیه حزب حکمتیست بمناسبت اول مه

سرمایه داری و بحران کرونا

سوسیالیسم بیش از هر زمان

ضروری و مبرم است!

آیا دیگر کسی تردید دارد که نظام سرمایه داری علیه موجودیت بشر و محیط زیست انسانهاست؟ برای کارگران کمونیست و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، ماهیت استثمارگرانه و ضد انسانی سرمایه داری از زمان انتشار مانیفست کمونیست روشن بوده است. اما هیچ زمان مانند امروز، در دوره بحران کرونا با عملکرد دولتهای سرمایه داری، ماهیت ضد انسانی و گندیدگی این نظام برای توده های طبقه کارگر و بشریت آزادیخواه در ابعاد وسیع روشن نبوده است. سخنگویان سرمایه از وحشت دوره "پسا کرونا" به خود می پیچیند، آنها حضور دائمی و روزافزون مارکس و انتقاد مارکسی به تناقضات و تضادهای نظم کاپیتالیستی را با سوال همراه با تردید "حضور مجدد مارکس؟" و یا حمله به کمونیسم پاسخ میدهند. از سوی دیگر بخشاً دولتها برای مواجهه با امواج سهمگین اعتراضی که در راهند، از "درآمد پایه جهانشمول" (Universal Basic Income) سخن میگویند. همه میدانند که پاندمی کرونا کاتالیزوری شد تا موج دوم بحران اقتصادی زودتر از پیشبینی نهادهای مالی جهان بوقوع بپیوندد و هم اکنون با تشدید بحران اقتصادی، سقوط صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## سرمایه داری و بحران کرونا

### سوسیالیسم بیش از هر زمان ضروری و مبرم است...

بازارهای بورس، بیکاری صدها میلیونی و پیامدهای تحولات تکنولوژیک، آینده سرمایه داری در هاله ای از ابهام قرار گرفته است. جهان پساکرونا دنیای تحولات شگرف و جدالهای زیر و رو کننده است.

میلیاردها مردم جهان با چشمان خویش دیدند که سرمایه داری هیولائی است که از جنایت سازمانیافته بسان کسب سودهای سرشار لذت می برد. مردم دنیا دیدند که دولتها چه وقیحانه اعلام کردند که چه کسانی قرار است بمیرند و چه کسانی قرار است زنده بمانند، چرا که برای بیهی ترین حق پایه ای ساکنین کره خاکی، حق سلامتی، امکانات و زیر ساختهای پزشکی و درمانی کافی وجود ندارد! همه دیدند که با استراتژی "مصونیت گله ای" و کشتار روزانه، سرمایه هنوز به تئوری جمعیت مالتوس و داروینیسیم اجتماعی و اصل "انتخاب اصلح" متکی است. همه دیدند که مجدداً دولتها ارقام نجومی به بانکها و بنگاههای بزرگ تزریق کردند و بجز حداقل اقداماتی، آنهم موقت، طبقه کارگر و شهروندان را بحال خود رها کردند. در قرن بیست و یکم، در اوج توانائی علمی و تکنولوژیکی و بارآوری کار، جهان به قصابخانه ای بدل شده که انسان کارکن در اتاق انتظار مرگ سرمایه است. فاشیسم و تئوریهای فاشیستی بدرجات مختلف عصای دست بورژوازی در بحران کرونا شد. دولتهائی که قرار بود به اداره ارائه خدمات برای رقابت سرمایه ها در جنگل بازار محدود شوند، مجدداً در مواجهه با بحران اقتصادی در راس امور قرار گرفتند تا تئوریهای قبلی شان را پوچ اعلام کنند. دولت، بعنوان ارگان مجری توحش سرمایه قد علم کرد. سرمایه داری که از خلاقیت و هنر تا سلامتی و بهداشت و آموزش و همه چیز را به کالا و به وسیله کسب سود بدل کرده است، در اوج تحولات تکنولوژیک و تولید انبوه از نجات جان شهروندان ناتوان ماند. معلوم شد بهداشت و درمان و سلامت اگر سودآور نباشد در اولویت دولتهای سرمایه داری نیست و سود بر حیات انسانها ارجحیت دارد. معلوم شد که بورژوازی برای سود نه فقط زندگی و آینده بشریت کارگر بلکه گره خاکی و محیط زیست وی را با خطر نابودی روبرو کرده است.

دنیای پسا کرونا دنیای کشمکشهای تند طبقاتی، دنیای زیر سوال رفتن قدرتهای تاکنون بظاهر باثبات، دنیای مبارزه حاد با نظم سرمایه خواهد بود. میلیاردها نفر در گرسنگی و بیکاری و ناامنی اقتصادی و بیماری دست و پا میزنند و معدودی آبر سرمایه دار بر کره خاکی سلطنت میکنند. در متن این بحران بیش از هر زمانی سوسیالیسم بعنوان نظامی مطلوب و عقلائتی طرح میشود. اینبار جنبشهای ضد کاپیتالیستی بسیار صریحتر از سوسیالیسم، از ضرورت سوسیالیسم و از نیاز به سوسیالیسم سخن خواهند گفت. نظامی که با اولویت و منفعت حال و آینده جامعه بشری در تناقض قرار دارد، باید سرنگون شود، باید با قهر انقلابی جنبش آنتی کاپیتالیستی بزیر کشیده شود. دوران پساکرونا دنیای تقابل با چهارچوبهای قانونی نظم سرمایه و ابزارهای تحمیق آنست. دنیای سقوط صنعت دین و اسطوره های جهالت مذهبی است.

صنعت دین بعنوان یک ماشین مخوف خوراندن زهر این جهانی سرمایه به محرومان، بیش از هر زمان در تاریخ معاصر بی اعتبار شد. خدا و نمایندگان زمینی اش در مقابل کرونا زانو زدند. این بی اعتباری مذاهب و صنعت دین یک وجه سقوط ارکان ایدئولوژیک سرمایه داری است. طبقه کارگر جهانی و بشریت آزادیخواه بیش از پیش خود را در تقابل با سرمایه داری و سیاستهای آن می بیند و در دنیای پساکرونا ضروری است با طرح ادعای سوسیالیستی خویش بعنوان جنبش و طبقه ای آلترناتیو بمیدان بیاید. آلترناتیوی که از چهارچوبهای قانونی و پارلمانی عبور کند و راه حل کارگری و سوسیالیستی را صریح و بدون ابهام طرح کند. در این مصاف سازماندهی جنبش عمل مستقیم کارگری و توده ای، تشکیل احزاب کمونیست کارگری که آلترناتیو سوسیالیسم را در مقابل کل جامعه قرار دهند، از وظایف کمونیست ها و مارکسیست ها و از نیازهای ضروری و مبرم کشمکش طبقاتی دنیای پساکرونا است.

در ایران در متن پاندمی شدید کرونا رسماً کارگران را به کشتارگاه فرستادند، با احتکار وسائل بهداشتی جان انسانها را وثیقه کسب سودهای نجومی کردند و حتی کمکهای دریافتی برای امور درمانی و بهداشتی را روانه بازار کردند. دولت اسلامی سرمایه داران از هم اکنون برای سونامی خیزش گرسنگان و ارتش بیکاری و اعتراضات تند ضد حکومتی آماده میشود. دیگر کسی نیاز به مکاشفه پیچیده برای درک ماهیت و عملکرد جنایتکارانه عریان سرمایه داری ندارد.

تامین فوری معیشت مناسب و رفاه برای همگان، تامین مسکن مناسب برای شهروندان، تامین رایگان آموزش و بهداشت و درمان، تضمین رایگان وسایل حمل و نقل و پایان دادن فوری به انواع تبعیض ها، از خواستههای بلافصل طبقه کارگر و پرچم مبارزاتی اش است. کل آنچه که بورژوازی نمیخواهد تامین کند، دولت انقلابی کارگری در هر گوشه جهان میتواند و میخواهد تامین و تضمین کند.

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست همراه با جنبش بین المللی طبقه کارگر اول مه را گرامی میدارد. طبقه ما در اینروز لازمست با ادعایمانه و مانیفست خود در مقابل سرمایه داری برای تغییر به میدان بیاید. در اول مه باید بر ضرورت استقلال سیاسی و تشکیلاتی طبقه کارگر از جریانات و جنبشهای بورژوائی تاکید کنیم. طبقه ما باید حول حزب کمونیستی کارگری خود گرد آید. باید سازمانهای توده ای و شورائی خود را بسازد. باید کل طبقه از شاغل و بیکار و خانواده کارگری متشکل و متحد شود. باید در مقام رهبر آزادی جامعه قرار گیرد. باید برای سرنگونی سرمایه و دولتهایش، تصرف قدرت سیاسی و ایجاد حکومت کارگری تلاش کند. ایجاد جامعه ای به دور از بردگی مزدی و استثمار فرد از فرد، عاری از تبعیض و نابرابری، به دور از فقر و گرسنگی و بیکاری و زشتی های جوامع امروز ممکن است. هیچ زمان مانند امروز سوسیالیسم و فقط سوسیالیسم به نیاز فوری میلیاردها انسان تبدیل نشده است.

**کارگران جهان متحد شوید!**

**نه به سرمایه داری، زنده باد انقلاب کارگری!**

**زنده باد اول مه روز همبستگی جهانی طبقه کارگر!**

**حزب کمونیست کارگری- حکمتیست**

فروردین ۱۳۹۸- آوریل ۲۰۲۰

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**

## اعلامیه حزب حکمتیست

## از کارگران معادن کرمان حمایت کنیم!

## تهدید امنیتی را با تهدید اعتصاب جواب دهیم!

در اول اردیبهشت حدود سه هزار کارگر معادن کرمان در اعتراض به واگذاری معادن به بخش خصوصی و زیر سوال رفتن امنیت شغلی و قراردادهای کارشان، دست به اعتصاب زدند و در شهرستانهای زرنند و کوهبنان و وراور در مقابل ادارات دولتی و دفتر امام جمعه دست به اجتماع و تظاهرات زدند.

مسئولان دولتی و کارفرمایان معدن در شرایط کرونایی از اعتصاب هزاران کارگر معدنچی به وحشت افتادند و تحت عنوان "رسیدگی به مشکلات کارگران" شنبه ششم اردیبهشت در مجلس اسلامی جلسه ای تشکیل دادند. در این جلسه که در آن قرار بود چند نفر از کارگران بعنوان نماینده شرکت کنند، از همان ابتدا با برخورد تهدیدآمیز و تحقیر آمیز سران حکومتی و کارفرمایان روبرو شدند، نه فقط آنها را در جلسه کذائی بررسی شان شریک نکردند بلکه سیاست برخورد امنیتی با کارگران را تحت عنوان "مقابله با اخلال" تنظیم کردند.

جلسه هماهنگی مجلس و دولت و امنیتی ها برای "مقابله با اخلال" و "برخورد شدید با کارگران اعتصابی"، اولین واکنش به دور جدید اعتراضات توده ای کارگری و نشان وحشت حکومتیها و کارفرمایان از امواج اعتراضات کارگری در دوره پساکرونا است. ادعای حکومتی ها مبنی بر "پیگیری قانونی مطالبات" توسط کارگران، وقتی که خودشان می برند و می دوزند و معادن و صدها شرکت زیر پوشش شرکتهای بیمه اجتماعی را به بازار بورس و بخش خصوصی واگذار میکنند، توفعی بیجا است. کارگر برای دفاع از امنیت شغلی و قراردادهای کار و بهبود شرایط کار و زندگی خود نیازی به اجازه از هیچ کارفرمایی ندارد. قانون حکومتی دفاع از کارفرمایان است و اعتصاب و اعتراض به سیاستهای کارفرما حق مسلم کارگران است. دوره این تهدیدات و قلدرمنشی کارفرمامحور بسر آمده است. حکومت کارفرمایانی که زندگی و هستی میلیونها کارگر را با یک چرخش قلم ساقط میکنند، باید برای اعتراض و اعتصاب کارگران هم آمادگی باشند.

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست تهدید عوامل حکومتی و کارفرمایان و اطلاعاتی ها علیه کارگران معادن کرمان را قویاً محکوم میکند و از کارگران در بخشهای مختلف ایران میخواهد که از رفقاییشان در معادن کرمان حمایت کنند. در آستانه روز جهانی کارگر، همبستگی کارگری بیش از هر زمانی موضوعیت دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۷ اردیبهشت ۱۳۹۹ - ۲۶ آوریل ۲۰۲۰

## جهت اطلاع عموم



## در باره وضعیت پزشکی رفیق سعید آرمان

با کمال خوشحالی باطلاع میرسانیم که خوشبختانه رفیق سعید آرمان به بیماری کووید-۱۹ فائق آمد و بعد از چند هفته بستری و تحت مداوا بودن، امروز عصر چهارشنبه ۲۹ آوریل از بیمارستان ترخیص شد.

طی اینمدت دوستان و رفقای زیادی با پیام و تلفن و ارتباط مستقیم جویای حال رفیق سعید بودند و در باره وضعیت وی ابراز نگرانی کردند. ما این محبتهای رفیقانه و انسانی و صمیمانه را ارج میگذاریم و از همه این دوستان عزیز نهایت قدردانی را داریم.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ضمن تبریک به رفیق سعید آرمان عزیز برای وی آرزوی تندرستی کامل میکند و امیدواریم دوره نقاهت بیماری را نیز با موفقیت پشت سر بگذارد.

دفتر مرکزی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۹ آوریل ۲۰۲۰

## در باره اعدامهای اخیر

جمهوری اسلامی بدستور رئیسی جلال و بدنبال شورش در زندانها، اعدام زندانیان را سرعت بخشیده است. صبح امروز سه شنبه نهم اردیبهشت سه زندانی در زندانهای ارومیه و سنندج اعدام شدند. "زرار پیغامی" ۵۳ ساله اهل آشنویه، "یاسر رسولی" ۳۳ ساله اهل بوکان، در زندان ارومیه و "فایق شریفی" اهل دیواندره در زندان سنندج اعدام شدند. همیطور امروز سه شنبه نهم اردیبهشت "مهدی رمضانی" اهل شهرستان سنقر در زندان کرمانشاه اعدام شد. این پنجمین اجرای حکم اعدام در زندان مرکزی کرمانشاه در چند روز گذشته است.

روز دوشنبه هشتم اردیبهشت "کیوان مرادی" ۲۸ ساله اهل دهگلان در زندان مرکزی سنندج اعدام شد. روز پنجشنبه چهارم اردیبهشت "شهرام بابیگان" که در جریان شورش زندانیان زندان تبریز مجروح شده بود، در زندان تبریز اعدام شد. روز چهارشنبه سوم اردیبهشت سه زندانی بنامهای "علی شیخان"، "مجتبی حائری" و "جمال جعفری نسب" در زندان دستگرد اصفهان اعدام شدند.

به اینها باید اعدام زندانی سیاسی مصطفی سلیمی و قتل خاموش زندانیان در اثر بیماری کرونا را اضافه کرد. جان زندانیان سیاسی در خطر است. بیماری کرونا در زندان فشافویه تهران و زندانهای دیگر ایران یک تهدید جدی برای کشتار زندانیان است. این اعدامها جوابی به شورش در زندانها است، تلاشی برای ارباب جامعه است، هدفش پیام دادن به جامعه مبتلا به بیماری و بیکاری و فلاکت اقتصادی است که دورنما و پتانسیل تلاطمات اجتماعی و شورش علیه فقر و بیکاری در آن زبانه میکشد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست این تمهیدات ورشکسته حکومتی و این قتلهای عامدانه و آگاهانه جمهوری اسلامی را قویاً محکوم میکند و کارگران و مردم آزادیخواه را به گسترش تلاش برای آزادی فوری زندانیان سیاسی و کلیه زندانیان عادی تا رفع مخاطره بیماری کرونا فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۹ اردیبهشت ۱۳۹۹ - ۲۸ آوریل ۲۰۲۰

ما خواهان افزایش حداقل دستمزد، متناسب با تورم واقعی و هزینه‌های معیشتی واقعی خانوارهای کارگران و همسان‌سازی حقوق معلمان شاغل و بازنشسته با سایر حقوق‌بگیران هستیم.

ما معتقدیم، درحالی که خط فقر حدود هشت میلیون تومان است، تعیین حداقل دستمزد به میزان یک‌میلیون و هشتصد هزار تومان، بی‌توجهی آشکار به معیشت و زندگی اکثریت زحمتکشان است.

ما خواستار فراهم کردن شرایط لازم برای دستیابی تمام کودکان به آموزش رایگان، باکیفیت و عادلانه، خدمات بهداشتی رایگان و امکانات ورزشی و تفریحی مناسب هستیم.

ما خواهان لغو سیاست‌های خصوصی‌سازی، سیاست‌های ارزان‌سازی و بی‌ثبات‌سازی نیروی کار، تعدیل اقتصادی، تعطیلی کارگاه‌ها و اخراج‌های بی‌رویه، توقف خرید خدمات آموزشی و برخورداری از امنیت شغلی معلمان خرید خدمت و نیروی کارآموزی در بخش خصوصی هستیم.

ما خواستار توقف فوری کار کودکان و بازگرداندن کودکان بازمانده از تحصیل به چرخه مدرسه هستیم.

ما خواهان اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری به‌صورت کامل، به‌خصوص برای بازنشستگان فرهنگی و تأمین بیمه پایه فراگیر، کارآمد و رایگان برای تمام بازنشستگان هستیم.

ما ضمن قدردانی از خدمات کادر درمانی در شرایط دشوار کنونی، خواهان پرداخت همه مطالبات پرستاران و کارکنان کادر درمانی فداکار، افزایش دستمزد و کاهش ساعات کار آنان و همچنین در اختیار گذاشتن تمامی امکانات ایمنی و بهداشتی برای مقابله با ویروس کرونا هستیم.

ما خواستار برخورداری همه کارگران، معلمان و به‌ویژه معلمان بازنشسته و دیگر حقوق‌بگیران از تأمین اجتماعی کارا و مؤثر، از جمله بیمه بیکاری کافی هستیم.

ما تمام کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و حقوق‌بگیران را به همبستگی بیشتر فرامی‌خوانیم و تنها راه احقاق حقوق پایمال‌شده آنان راه، گسترش و تقویت تشکلهای مدنی مستقل و اتحاد عمل بین تشکلهای بر سر مطالبات اساسی و مشترک می‌دانیم.

بی‌شک مطالبات فوق درگرو برخورداری از آزادی بیان و آزادی حق تشکلهایی است. ما با هر نوع سرکوب آزادی به شکل آشکار و پنهان مخالف هستیم.

به امید تحقق جامعه‌ای آزاد و برابر به همراه صلح و شادی و رفاه  
۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۹

اسامی تشکلهای صنفی فرهنگی و تشکلهای کارگری امضاء کننده بیانیه:

کانون صنفی معلمان ایران (تهران)، سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، کانون صنفی معلمان اسلامشهر، کانون معلمان همدان، کانون صنفی فرهنگیان استان بوشهر، انجمن صنفی معلمان کردستان\_مریوان، انجمن صنفی معلمان کردستان\_سقز و زیویه، انجمن صنفی بازنشستگان کشوری، انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری.

\*\*\*

## گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر و

### دوازدهم اردیبهشت روز معلم

امسال در حالی که استقبال روز همبستگی جهانی کارگر و روز معلم می‌رویم که شرایط معیشتی کارگران، معلمان، بازنشستگان و سایر حقوق‌بگیران و نیروی کار نسبت به سال گذشته بسیار سخت‌تر و بحرانی‌تر شده است. پیامدهای ویرانگر و خانمان‌برانداز سیاست‌های چند دهه دولت‌ها؛ تعدیل اقتصادی، خصوصی‌سازی و تعطیلی واحدهای تولیدی و خدماتی، خصوصی کردن بیش‌ازپیش آموزش و بهداشت عمومی هرروز بیش از گذشته خود را نشان می‌دهد. سیاست‌هایی که فراتر از دولت‌ها، سیاست کل حاکمیت است و جناح‌های سیاسی بر روی آن اتفاق نظر دارند.

در این میان سقوط بی‌پایان ارزش ریال در برابر ارزهای خارجی، افزایش دوپست درصدی قیمت بنزین و تورم رسمی چهل و یک درصدی موجب کاهش شدید قدرت خرید مزدبگیران شد. در کنار این سیاست‌ها دولت در همراهی کامل با صاحبان سرمایه که اکثر آنان از رانت وفاداری به سیستم برخوردارند، با افزایش ۲۱ درصدی حداقل دستمزد برای سال ۹۹، نهنها چهارمنمایشی سه‌جانبه گرایی را از قبل آشکارتر نمود؛ بلکه نشان داد که می‌خواهد وضعیت معیشت حقوق‌بگیران را از قبل سخت‌تر و سفره‌هایشان را خالی‌تر نماید.

اول ماه مه و روز معلم، یادآور این است که کارگران، معلمان و دیگر حقوق‌بگیران باید در جهان و ایران متحدتر شوند و برای سازمان‌دهی خودشان بیشتر از گذشته تلاش نمایند. چراکه سیستم مبتنی بر سود و سرمایه با ثروت‌اندوزی برای یک درصدی‌ها و استثمار اکثریت کارگران و حقوق‌بگیران برای سود بیشتر، نشان داده که حتی در شرایط بحران‌های بهداشتی همچون کرونا نیز قادر به مراقبت از شهروندان نیست.

هرچند امسال شرایط تجمع و برگزاری مراسم جشن روز جهانی کارگر و معلم به علت شیوع ویروس کرونا فراهم نیست، اما فراموش نمی‌کنیم که ما در ایران همه‌ساله به خاطر برگزاری روز جهانی کارگر و روز ملی معلم، توسط عوامل امنیتی سرکوب و بازداشت می‌شویم و حتی اجازه برگزاری مراسم مربوط به خودمان را نداریم. در سال گذشته ده‌ها تن از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد، تعدادی از فعالان کارگری، بازنشسته، دانشجویی و صنفی فقط به دلیل شرکت در مراسم اول ماه مه و ده‌ها تن از معلمان عضو تشکلهای صنفی در سراسر ایران به خاطر شرکت در مراسم روز معلم بازداشت، توبیخ و بعضاً به حبس‌های طولانی‌مدت محکوم شدند؛ که این محکومیت‌ها و روند سرکوب همچنان ادامه دارد.

ما، تشکلهای صنفی، مدنی اعم از معلمی یا کارگری به‌عنوان امضاکنندگان این بیانیه اعلام می‌داریم که حق داشتن تشکیلات مستقل، تجمع، اعتراض و حق اعتصاب، سندیکایی و کانون‌های صنفی را برای همه کارگران، فرهنگیان و حقوق‌بگیران دیگر به رسمیت می‌شناسیم و برگزاری مراسم روز جهانی کارگر، روز ملی و روز جهانی معلم، روز دانشجو و روز جهانی زن را از حقوق مسلم خود میدانیم.

ما خواستار آزادی تمامی کارگران، معلمان، دانشجویان و همه فعالان مدنی و سیاسی دربند هستیم و از مقامات قضایی و امنیتی می‌خواهیم که به سرکوب‌ها پایان دهند و منع تعقیب تمامی بازداشت‌شدگان روز جهانی کارگر سال ۹۸ و فعالان صنفی معلمان را صادر نمایند.

ما خواستار حقوق برابر برای زنان و مردان در همه زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هستیم.

## قطعه نامه روز جهانی کارگر ۱۳۹۹ - سندج

اول ماه مه ۲۰۲۰

در شرایطی جنبش بین المللی طبقه کارگر به استقبال اول مه میرود که اپیدمی کرونا جوامع بشری در سراسر دنیا را مورد هجوم و تهدید جدی قرار داده است. تاکنون این بیماری قابل پیشگیری جان نزدیک به ۲۵۰ هزار نفر در دنیا را گرفته و بیش از سه میلیون نفر را هم مبتلا کرده است.

ما کارگران و مردم در جهان یکبار دیگر دیدیم که ادعای سرمایه داری مبنی بر "ادلی و ابدی" بودن این نظام پوچ است. دیدیم که این نظام ضد انسانی و حتی لیاقت و ظرفیت دفاع از سلامتی را ندارد. سران دولتهای سرمایه داری از دمکرات تا استبدادی، شهروندان و بویژه محرومان را به حال خود رها کرده اند. استراتژی "مصونیت گله ای" یعنی بمیرید و بسازید تا فرمان کار اجباری در قتلگاه کرونا بدون کمترین امکانات بهداشتی، پاسخ این نظام به میلیاردها کارگر و خانواده هایشان است. این در شرایطی است که این نظام سرمایه های هنگفت صرف تولید سلاحهای ویرانگر و رقابت و جنگهای خانمانسوز میکند. تنها کمتر از ده درصد این سرمایه میتوانست هزینه کامل زیرساختهای مدرن پزشکی و درمانی و هزینه پیشگیری و آمادگی برای چنین شرایطی را تامین کند. اگر این سیاست را دنبال نمیکنند، دلیل ناتوانی در محاسبه هزینه ها و نیازها نیست، دلیل اینست که بهداشت و درمان عرصه رضایت بخشی برای سودآوری نیست. این بسادگی یعنی سود و فقط سود سرمایه بر جان انسانها مقدم است. این نظامی است که ما کارگران و ساکنین کره خاکی را اسیر کرده است.

در ایران وضعیت وحشتناک تر است. شرایط زندگی برای اکثریت جامعه یعنی مردم محروم و کارگر و زحمتکش، هر روز و هر ساعت با فقر و گرانی و فلاکت اقتصادی بدتر میشود. کرونا نیز به فقر و سیل و زلزله و کلیه فروشی و سرکوب روزانه اضافه شد. در بیماری شدید کرونا هم باید کارگر کار کند و برای سرمایه سود تولید کند. میگویند "در خانه بمانید" اما حقوق ما را پرداخت نمیکنند، وسائل بهداشتی و تست را خصوصی و بازاری کرده اند، جامعه کارگری را بین دو راهی مرگ در محیط کار آلوده و بیماری و گرسنگی به اسارت گرفته اند. این در حالی است که میلیاردها دلار هر روز اختلاس میشود، اما حاضر نیستند برای طب و درمان و بهداشت و آموزش و مسکن و معیشت، از ثروتی که ما کارگران تولید میکنیم و آنها به جیب میزنند، هزینه کنند. ما کارگران و همه مردم دنیا دیدیم که کمکهای دریافتی از کشورهای مختلف را حتی در اختیار مردم مبتلا نگذاشتند، وسائل بهداشتی را احتکار و با بازار فرستادند تا از بیماری و رنج مردم نیز پول پارو کنند. حتی اجازه تاسیس بیمارستان به پزشکان بدون مرز ندادند تا فجایع و عملکردشان را بتوانند انکار کنند. و امروز نیز حکم به قتل عام ما کارگران داده اند. میگویند حاضرند دو سه میلیون نفر را قربانی کنند تا پیشاپیش با خیزش سی میلیون گرسنه مقابله کنند!

ما جنبش طبقه کارگر، ما آزادیخواهان، سرمایه داری و عملکرد ضد کارگری و ضد انسانی اش در بحران کرونا را محکوم میکنیم و این نظام جنایتکار را در پیشگاه بشریت آزادیخواه محاکمه میکنیم. ما

کارگران میگوئیم این نظام نمیتواند جامعه را اداره کند و باید برود. ما کارگران که هر روز چرخهای جهان را حرکت در میاوریم، هر دقیقه نیازهای میلیاردها بشر را تولید میکنیم، خود نیز میتوانیم آنرا اداره و مدیریت کنیم. این نظام شایسته بشر امروز نیست.

از اینرو ما امضاء کنندگان این قطعه نامه خواست ها و سیاست کارگران را برای اوضاع کنونی اعلام میکنیم و جامعه را فرامیخوانیم که حول آن بسیج و متحد شود:

۱- ویروس کرونا از کنترل خارج شده و با سرعت در حال گسترش است. فوراً باید مناطق مخاطره آمیز قرنطینه شود. امکانات تدارکاتی، معیشتی و بهداشتی شهروندان مناطق قرنطینه شده، باید توسط دولت تامین شود.

۲- کلیه مراکز کار اعم از تولیدی و خدماتی تا رفع خطر بیماری کرونا تعطیل شوند. حقوق کارگران بدون کم و کاست پرداخت شود. تنها مراکز ضروری تولیدی و خدماتی و بیمارستانی با کاهش ساعت کار باز باشند.

۳- شعار "در خانه بمانید" ظاهر خوبی دارد، اما بدون نان و دارو و پشتوانه هزینه های روزانه شعاری عوامفریبانه است. برای تحقق آن تامین معیشت همه شهروندان در این دوره خواست محوری جامعه است و دولت موظف به تامین آن است.

۴- بسیاری از هم طبقه ایهای ما خانه ای ندارند که در آن بمانند. حاشیه نشینان، حلبی آبادها، کودکان کار، کارتن خوابها، گورخوابها، دستفروشان، معتادین، کارگران بخش بازیافت زباله، عمدتاً بی مسکن هستند و دولت نیز همان آلودگی خارج محدوده شان را نیز با بولدوزر ویران میکند. ما کارگران این اقدامات ضد انسانی را محکوم میکنیم و دولت را موظف به اسکان این شهروندان میدانیم.

۵- ما کارگران سیاستهای نژادپرستانه دولت و کارفرمایان در قبال کارگران مهاجر افغانستانی از جمله اخراج و ندادن هیچ امکانی به آنها و عدم پذیرش در بیمارستانها را قویاً محکوم میکنیم. کلیه ساکنین ایران باید بدون تبعیض از معیشت و منزلت و سلامتی و بهداشت برخوردار باشند.

۶- طرح پرداخت "بیمه بیکاری" به کارگرانی که به خاطر کرونا بیکار شده اند، فریبی بزرگ است. کار در محیط ناامن کار با اضافه کرونا جنایت علیه کارگران است. مسئولیت ابتلا با کارفرمایان و دولت است و آنها موظف به پرداخت بیمه بیکاری مکفی یا تامین معیشت استاندارد برای بیکاران هستند.

۷- اخراج ها باید ممنوع شود. کارفرمایان کرونا را بهانه بیکارسازی وسیع کرده اند. مضافاً اینکه مراحل اداری پیچیده و کشنده، آنهم برای گرفتن بیمه ای که قبلاً از حقوق ها کسر شده است، تنها ادامه سیاست مکیدن زلوفستانه آخرین قطره های خون کارگران است. کلیه کارگران اعم از شاغل و بیکار باید مشمول تأمین اجتماعی شوند و دولت در پرداخت این بیمه مسئولیت مستقیم دارد.

۸- ما "حداقل دستمزد" اعلام شده از جانب دولت را تحمیل گرسنگی و مرگ تدریجی بر کارگران و خانوادههای کارگری میدانیم. آن را به شدت مردود اعلام میکنیم. ما کارگران علیه دستمزد زیر خط فقر و علیه فقر و بیکاری بر اتحاد و همبستگی سراسری پافشاری میکنیم.

۹- تهدید و بازداشت فعالین کارگری و اجتماعی ادامه دارد. ما خواهان توقف بازداشتها و احضارها و سرکوبگریها هستیم. زندانیان سیاسی باید آزاد شوند. جان هزاران زندانی سیاسی و عادی در دوره شیوع ویروس کرونا در زندانها با خطر بیماری و مرگ روبرو است. ما خواهان آزادی فوری کلیه زندانیان در این دوره هستیم. در دوره ای که

## قطعه نامه روز جهانی کارگر

۱۳۹۹ - سنندج ...

بیانیه مشترک «سندیگای کارگران نیشکر هفت تپه»

و «گروه اتحاد بازنشستگان» بمناسبت اول ماه مه

رویارویی با کرونای طبیعی و کرونای سرمایه داری! به مناسبت اول ماه مه  
۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۹

اول ماه مه امسال، طبقه کارگر و دیگر توده های استثمار شده، زیر ستم و محروم جامعه با شرایط بسیار وخیمی روبرو هستند: بیماری کرونا در سراسر جهان به شیوع مرگ آور و یک تازی ویرانگر خود ادامه می دهد و میلیون ها انسان، بویژه محرومان جامعه را به زیر گیتین مرگ می فرستند در حالی که نظام سرمایه داری، به رغم انباشت عظیم ثروت و امکانات علمی، اقتصادی، تکنولوژیکی و غیره از رویارویی با این اپیدمی عاجز مانده است.

کرونا صدها میلیون انسان را در سراسر جهان مجبور به قرنطینه نشینی کرده است. در این انزوای دردناک، یا در گوشه بیمارستان های غالباً بی تجهیزات و مملو از بیماران کرونایی، انسان های بسیاری منتظر مرگ یا تشدید بیماری خود یا نزدیکانشان هستند. اما این تنها یک روی فاجعه است، روی دیگر فاجعه، نظام استثمارگر و مخرب سرمایه داری است که برخلاف کرونا موسمی نیست بلکه دیرپاست و به شکل مداوم و با دامنه وسیع تری زندگی میلیاردها کارگر و زحمتکش را در سراسر گیتی به مرگ تدریجی تهدید می کند.

کرونا باعث افزایش بیکاری دائمی یا موقت ده ها میلیون کارگر در جهان شده است؛ اما نباید از نظر دور داشت که نظام سرمایه داری پیش از کرونا صدها میلیون بیکار در سراسر جهان به ارمغان آورده بود! کرونا جان صدها هزار تن را در سراسر جهان گرفته - که بسیاری از آنان از محرومان جامعه بوده اند - نظام سرمایه داری شیره جان و زندگی صدها میلیون را هر روز و هر ساعت می مکد و آنان را به فرسودگی، بیماری، تنهایی و مرگ تهدید می کند. فراگیری کرونا در گستره وسیع جهانی تنها به خاطر مرگبار بودن این ویروس و لاعلاجی آن در سطح کنونی تکامل دانش پزشکی نیست. این شیوع و گسترش مرگبار تا حد بسیار زیادی ناشی از منافع سلاطین سرمایه است که به چیزی جز سود نمی اندیشند و حداکثر تلاش خود را برای کاستن بودجه های آموزش، بهداشت و درمان و تأمین اجتماعی و افزایش هزینه های نظامی و امنیتی به کار بسته اند که حاصل آن چیزی جز فروپاشی ساختار جامعه بشری نیست. بحران کرونا پوسیدگی مناسبات حاکم و بحران بزرگ اقتصادی جاری را نمایان کرد. این درسی است که کارگران و زحمتکشانشان از بروز بحران های اقتصادی، سیاسی و طبیعی و محیط زیستی موجود می آموزند و پاسخ ایجابی آن باید مهیا کردن شرایطی در جهت تأمین رفاه، آسایش، صلح و ثبات برای جامعه انسانی باشد.

نظام سرمایه داری در روز جهانی کارگر امسال حالت ویژه ای به خود گرفته است: کرونای سرمایه داری در شرایط شیوع کرونای طبیعی، چهره کریه و مرگبار خود را عریان تر نشان داده و در نتیجه ضرورت همبستگی و اتحاد کارگران در سراسر جهان را بیش از پیش آشکار ساخته است.

در ایران نظام سرمایه داری به شکلی وحشیانه تر و کورتر از بسیاری نقاط دیگر جهان عمل می کند. مزد کارگران در ایران از پائین ترین مردها در سراسر جهان است و نرخ بیکاری و تورم در ایران از بالاترین نرخ های جهانی. اکثریت قریب به اتفاق کارگران بیکار از مستمری بیکاری و دیگر بیمه های اجتماعی محرومند. وضع زنان در ایران بویژه زنان کارگر از مردان کارگر نیز بدتر است و زنان کارگر علاوه بر استثمار و ستمی که بر عموم کارگران حکم فرماست از ستم و تبعیض جنسی نیز رنج می برند. کارگران حق طلب و فعالان مدافع حقوق کارگران از سوی نظام سرمایه داری و دستگاه های قضائی، امنیتی و انتظامی زیر شدیدترین فشارها قرار گرفته اند و می گیرند. پاسخ نظام سرمایه داری و نهادهای حاکم به خواست های کارگران ضرب و شتم، شکنجه، حبس های طولانی، اخراج و انواع فشارها، توهین ها و تحقیر هاست.

یک نمونه از غارتگری و سرشت پلید نظام سرمایه داری ایران و حامیان آن تصویب حداقل مزد در چند هفته گذشته است، حداقلی که از یک پنجم خط فقر در جامعه نیز کمتر است. اما

جامعه با ترس و نگرانی ویروس کرونا روبرو است، دور دیگری از اعدامها شروع شده، ما خواهان توقف اعدامها و لغو مجازات اعدام هستیم.  
۱۰- ما بر آزادی بیان و عقیده، تشکل، اعتصاب، تجمع، و گردهمایی به عنوان حقوق پایه ای کارگران و مردم پافشاری میکنیم. تعطیلی روز اول مه و گرامیداشت این روز از حقوق اولیه کارگران است.

ما به پزشکان و پرستاران و کارکنان در کادر درمان، به کارگران بخش نظافت، به کارگران آمبولانسها و حمل و نقل، به کارگران مراکز تولید مواد غذایی و بهداشتی که در صف اول نجات دهندگان جامعه جهانیاند، درود میفرستیم. در بحران بیماری کرونا نیز این انسان دوستان و کارگرانند که ناجیان جهان هستند نه دولتها و سرمایه داران بی خاصیت.

ما کارگران همراه با هم طبقه ای هایمان در سراسر جهان روز کارگر را گرامی میداریم و با جنبش طبقه کارگر جهانی اعلام همسرنوشتی و همبستگی میکنیم. ما خود را در هر گوشه جهان بخشی از مبارزه علیه سرمایه داری و تلاش برای ایجاد جهانی آزاد و برابر و مرفه میدانیم. ما با خانواده های کارگری و محرومان و کسانی که قربانی بیماری کرونا شدند اعلام همدردی میکنیم و برای بیماران آرزوی سلامتی و بهبود داریم. اول مه را به طبقه کارگر ایران و جهان تبریک میگوییم.

زنده باد اول مه

زنده باد همبستگی جهانی طبقه کارگر

دهم اردیبهشت ۱۳۹۹

- ۱- جمعی از فعالین کارگری سنندج
- ۲- انجمن کارگران فصلی و ساختمانی سنندج
- ۳- جمعی از کارگران اخراجی نساجی کردستان
- ۴- جمعی از کارگران اخراجی پردیس سنندج
- ۵- جمعی از کارگران اخراجی شاهو سنندج

## بیانیه مشترک ۳ شکل بمناسبت اول ماه مه روز جهانی همبستگی کارگران

سال گذشته گرامیداشت پرشکوه روز جهانی کارگر در ایران بشدت سرکوب و بخشونت کشیده شد و دهها نفر بازداشت و کماکان زیر وثیقه و احضار و محکومیت ناعادلانه بسر می‌برند. و اما مزدبگیران جهان اول ماه می متفاوتی را در سال ۲۰۲۰ تجربه میکنند. موج بازگشتی از تخریب امکانات و ظرفیت های حیات و طبیعت توسط سود سرمایه، به شکل اپیدمی، گوی میلیاردها انسانی را فشرده که خود نقشی در این وضعیت نداشته اند.

با شیوع ویروس مرگبار کرونا، تناقضات و تبعات ویرانگر این سیستم بر زندگی انسانها از زیر آوار تبلیغات بیرون آمده و رونمایی شد! مدرنترین کشورها و قوی ترین اقتصادهای جهان زیر تسلط مناسبات بازار و سودسرمایه نتوانستند از سلامت و معیشت مردمان بدرستی محافظت و مراقبت کنند. ثروت انباشته شده هزاران سال تمدن بشری بویژه تولیدات شگرف صد سال اخیر که امروزه در تسلط انحصاری سرمایه داران متمرکز شده، نتوانست نیازها و معیشت انسانها را بدون توسل به مکیدن نیروی کار برای چند ماه تامین کند. کرونا نه تنها یک بحران سلامتی بلکه اقتصادی، امنیتی و سیاسی شد و به اشکال گوناگون زندگی ها را نابود و بیش از پیش ثابت کرد که این سیستم برای تامین و تضمین زندگی و نیازهای بشریت کار نمیکند. سیستمی که با این درجه از پیشرفتهای باورنکردنی نتواند زندگی انسانها را ببدغده و مرفه تضمین کند و همواره فقر، مرگ، دلهره، اضطراب و ویرانی را رواج میدهد، چرا باید ادامه یابد؟! طبقه مزدبگیر و همه ۹۹ درصدیهای جهان، راهی جز اتحاد و همبستگی بمنظور پایان دادن و دگرگونی این مناسبات وارونه ندارند.

اما در ایران ابعاد این تخریب و صدمات، هولناک تر از سایر جوامع در بستری از رها شدگی و محرومیت، عدم تعهد و بی مسئولیتی در برابر سلامت عمومی و تامین معیشت، مردم را بر سر دوراهی مرگ ناشی از ویروس یا مرگ ناشی از فقر کشانده که ناچارا برای رهایی از فقر، به وضعیت پر ریسک بیماری گرفتار میشوند و مانند همیشه آسیب، صدمات، قربانی و فلاکت، سهم اکثریت محروم جامعه از بحران هاست.

دراوج چنین شرایط طاقت فرسایی، و تنها چند ماه پس از سرکوب خونین قیام مردم در آبان ماه ۹۸ و اعتراضات و حوادث دیماه، سرمایه داری حاکم بر ایران، در تعرضی دیگر با تکرار نمایش همه ساله اش در شورای مزد، "کاهش مزدی" بیسابقه را به طبقه کارگر تحمیل نمود. این بار نه تنها چون همیشه به رقم کارشناسانه و واقعی سید معیشت اعتنائی نکرد و قوانین و توافقات خود را هم زیر پا نهاد بلکه به اعداد و ارقام مرجع خود هم استناد نکرد بگونه ای که حتی نیاز به تائید و امضای نمایندگان مجاز و انتصابی کارگران را هم نادیده گرفت. این دیگر حتی یک مذاکره نمایشی و ظاهری هم نیست. این تصمیم، جنگی علیه معیشت و زندگی کارگران شاغل و بازنشسته است که با قلدری و علیرغم اعتراضات محافل و نهادهای "خودی" هم، بر اجرای آن پافشاری شد.

این درجه از بی اعتنائی و سرکوب مزد توسط صاحبان قدرت و ثروت، تنها با پاسخی برآمده از قدرت اتحاد و همبستگی کارگران شاغل و بازنشسته میتواند متوقف شده و تغییر یابد. در نتیجه هنوز پرونده مزد ۹۹ برای کارگران و بازنشستگان بسته نشده و تا حصول نتیجه برای دستیابی به تامین هزینه های واقعی زندگی، تلاش و مبارزه ادامه خواهد داشت. زنده باد اتحاد و همبستگی سراسری مزدبگیران و همه جنبشهای ضد تبعیض برای تغییر بنیادی جهان.

شورای بازنشستگان ایران، گروه کارگران و معلمان ۱۹ اسفند، اتحاد بازنشستگان ایران  
هشتم اردیبهشت ۱۳۹۹

## بیانیه مشترک «سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه»

### و «گروه اتحاد بازنشستگان» بمناسبت اول ماه مه ...

ستم بر طبقه کارگر ایران تنها ستم و استثمار اقتصادی نیست. کارگران ایران زیر ستم سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیز هستند و اول ماه مه فرصتی است که در آن کارگران از هم سرنوشتی خود و هم طبقه ای خود و دیگر زحمتکشان در ایران و در سراسر جهان آگاه شوند و برای حل معضلات مشترک و درد مشترک چاره اندیشی کنند. درد مشترکی که تا نظام سرمایه داری پابرجاست از میان نخواهد رفت کارگران زیر یوغ ستم و استثمار باقی خواهند ماند. پیام اول ماه مه پیام مبارزه متحدانه برای تغییر بنیادی جامعه است. ما در شرایط کنونی همه کارگران و همه پشتیبانان جنبش کارگری را به اتحاد عمل برای گسترش و تعمیق مبارزه حول محورهای زیر دعوت می کنیم:

- ایجاد تشکل های مستقل کارگران صنعتی، معدنی، ساختمانی، کشاورزی و خدماتی در تمام سطوح (کارخانه و محل کار، واحد تولیدی و خدماتی، منطقه ای و سراسری).
- آزادی اعتصاب، تظاهرات، اعتراض، آزادی بیان و عقیده، تشکل و تحزب.
- آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی؛ منع تعقیب قضائی کارگران زندانی و بازگشت بی قید و شرط آنان به کار و محل زندگی خود.
- برابری زنان و مردان در تمام عرصه های حقوقی، سیاسی، اقتصادی اجتماعی، مدنی و فرهنگی.
- مزد برابر کارگران زن و مرد برای کار یکسان.
- افزایش حداقل دستمزد به میزان ۹ میلیون تومان در ماه برای خانوار متوسط کارگری (از نظر تعداد اعضا).
- برقراری بیمه های اجتماعی و بویژه بیمه های درمانی و حق بیکاری برای کارگران بیکار و جویندگان کار.
- مبارزه با هرگونه تبعیض جنسیتی، عقیدتی، ملی، و قومی در محیط کار.
- آموزش رایگان در تمام سطوح.
- ترمیم حقوق بازنشستگان به طوری که از حداقل دستمزد کمتر نباشد، یکسان سازی حقوق بازنشستگان و شاغلان، بیمه کامل و تامین مسکن برای بازنشستگان، نظارت نمایندگان منتخب بازنشستگان بر صندوق های بازنشستگی و دارائی های عمومی بازنشستگان.
- معالجه و مداوای کامل و رایگان همه بیماران کرونائی؛ افزایش حقوق و پرداخت پاداش به همه کارکنان بهداشت و درمان بویژه در مبارزه با کرونا؛ تامین زندگی خانواده های جانبختگان کرونا.
- منع کار کودکان و تامین زندگی و آموزش کودکان کار.

مستحکم باد اتحاد و همبستگی کارگران در سراسر جهان  
پرتوان باد مبارزه کارگران برای رهایی از استثمار و نظام طبقاتی  
فرخنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه  
گروه اتحاد بازنشستگان

**یا کار یا بیمه بیکاری! بیمه بیکاری مکنی برای تمام افراد آماده به کار!**

## در یک نگاه

## تحریم اقتصادی را توجیه نکنید!

رحمان حسین زاده

قطعنامه ای به امضای ۱- انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، ۲-سندیکای نقاشان البرز، ۳- کانون کارگران ساختمانی کردستان، ۴- گروهی از کارگران و فعالین کارگری سقز، در تاریخ ۲۷ آوریل در رسانه های اجتماعی منتشر شد. این قطعنامه به درست در ۹ بند خواسته ها و مطالبات فوری در اول مه امسال را طرح کرده و به این لحاظ نه تنها دارای ایرادی نیست، بلکه فصل مشترک زیادی با دیگر قطعنامه ها مثل قطعنامه اتحادیه آزاد کارگران و یا قطعنامه کارگران سندج و ... را دارد. اما قطعنامه مورد اشاره در توضیح مقدماتی و در تبیین اوضاع در دو محور حاوی لغزشهای سیاسی و طبقاتی جدی است. امیدوارم نقد اصولی آن به درک و تفاهم مشترک درست با عزیزان تهیه کننده و حمایت کننده این قطعنامه که در شرایط سخت تحت حاکمیت جمهوری اسلامی زحمت انتشار آن را به عهده گرفته اند، کمک کند.

قطعنامه مورد اشاره مینویسد: "در مدت چهل و یک سال گذشته مردم ایران به خاطر وجود باندهای مافیائی، رانت خواری و زدیهای سازمانیافته، ثروت و اموال اجتماعی غارت و چپاول گردیده است. پولهای سرسام آوری هزینه بنیادها و مؤسسات زائد، هزینه آخوند پروری هم برای داخل و هم برای کشورهای منطقه و آسیای شرقی و آفریقا شده است. منابع مالی عظیمی مدام صرف نیروهای نیابتی و هم پیمانان حکومت در سوریه، عراق، لبنان و یمن و غیره گردیده است. به خاطر ماجراجویی های سران، تحریم اقتصادی بر کشور تحمیل گردیده و به همین خاطر برای مردم جامعه امکان برخورداری از یک زندگی حداقلی و حتی بخور و نمیر باقی نمانده است. طبق اظهارات سران دولت و حکومت قرار است به فرصتی برای وادار نمودن دولت آمریکا به لغو تحریم ها، نه برای هزینه معیشت مردم، بلکه برای مقاصد خود تبدیل کنند."

در شروع این پاراگراف قطعنامه نقد خود را از سرمایه داری مستبد و خشن و ضد کارگر حاکم بر ایران، از جمهوری سرمایه اسلامی را به کارکرد "باندهای مافیائی، رانت خواری و زدیهای سازمانیافته، ثروت و اموال اجتماعی غارت و چپاول گردیده است" تقلیل داده است. امیدوارم تهیه کنندگان قطعنامه ببینند، آنها که "ثروت و اموال اجتماعی" را در کنترل دارند، اقلیت انگل سرمایه داران و حاکمیت و دولت منبعث از آنها است و استبداد خشن شان در خدمت سازماندهی استثمار کار ارزان و کسب سود نجومی و انباشت سرمایه (و نه غارت) است. سرمایه داری حاکم بر ایران چه در دوره سلطنت و شنیع تر در دوره جمهوری اسلامی برای کسب سود نجومی به نیروی کار ارزان محتاج است و به منظور اینکه نیروی کار را ارزان نگه دارد، به استبداد و سرکوبگری خشن علیه طبقه کارگر و صف آزادیخواه و برابری طلب روی میآورد. علت استثمار

شدید و بیحقوقی مطلق طبقه کارگر و بخش عظیم شهروندان جامعه ایران در این کارکرد سرمایه داری حاکم بر ایران است. تخفیف دادن این کارکرد تماما ضد کارگری سرمایه داری به وجود "باندهای مافیائی، رانت خواری و زدیهای سازمانیافته" پرده پوشی ماهیت شدیداً ضد کارگری و ضد انسانی سرمایه داری حاکم و هیئت حاکمه جمهوری اسلامی است. تهیه

کنندگان این قطعنامه خود میدانند که جناحهای جمهوری اسلامی در مقابل هم و برای از زیر فشار بیرون بردن کل سیستم و نظامشان در مقابل نقد و اعتراض کارگری و برحق اتفاقاً همدیگر را به "اختلاس و زدیهای سرسام آور و مافیا بازی" متهم میکنند. بخشهای متعدد اپوزیسیون بورژوازی برای "اعاده حیثیت" نظم سرمایه شان در ایران، جمهوری اسلامی را به عنوان یک حاکمیت بورژوازی تمام عیار به یک مشت "باند مافیائی، غارتگر و دزد و مافیای غیر مدیر" تشبیه میکنند. در این چهارچوب بعضی از مفسرین سطحی چپ، اعتراضشان به سرمایه داری را به "کلیتوکراسی، یعنی دزد سالاری" نظم سرمایه تخفیف میدهند، متأسفانه آنچه در این قطعنامه و ظاهراً به نیابت از کارگران بیان شده، مرز روشنی با چنین تبیین هایی که در اساس پرده پوشی اساس ماهیت استثمارگرانه و ضد کارگری کلیت سرمایه داری است، ندارد. چنین تفسیر و تعبیرهایی شایسته نیست توسط کارگران آگاه تکرار شود.

نقد اصلی تر من به این قطعنامه آنجا است که سیاست جنایتکارانه تحریم اقتصادی آمریکا و متحدینش در رابطه با ایران و به بهانه تقابلهایش با جمهوری اسلامی را توجیه میکند. قطعنامه در این رابطه نوشته است: "به خاطر ماجراجویی های سران، تحریم اقتصادی بر کشور تحمیل گردیده و به همین خاطر برای مردم جامعه امکان برخورداری از یک زندگی حداقلی و حتی بخور و نمیر باقی نمانده است. طبق اظهارات سران دولت و حکومت قرار است به فرصتی برای وادار نمودن دولت آمریکا به لغو تحریم ها، نه برای هزینه معیشت مردم، بلکه برای مقاصد خود تبدیل کنند." تحریم اقتصادی آمریکا و متحدینش چه در دورانی که در قبال دولت فاشیست بعث اجرا کردند و چندین سال است در مقابل جمهوری اسلامی ادامه میدهند، عملاً و به طور واقعی ماهیت جنایتکارانه و ضد انسانیت را به اثبات رسانده است. دوازده سال تحریم اقتصادی رژیم فاشیست بعث اساساً دودش به چشم کارگر و مردم عراق رفت و باعث مرگ و میر وسیع به ویژه در میان کودکان شد. تداوم همین سیاست در مقابل جمهوری اسلامی به غیر از تشدید رنج و محنت بیشتر کارگران و مردم، خاصیت دیگری نداشته است. در نتیجه این سیاست بیمارگونه با عنوان کردن "ماجراجوییهای نظامی سران جمهوری اسلامی" قابل توجیه نیست. جمهوری اسلامی زمانی نه ماجراجویی نظامی، بلکه عامل اصلی یک جنگ بزرگ هشت ساله به قیمت تباهی وسیع بر مردم بود و منفعت آمریکا و قدرتهای بزرگ ایجاب نمیکرد، که آن را تحریم کنند. در نتیجه آمریکا و متحدینش در راستای اهداف جنایتکارانه خود هر جا منفعتشان ایجاب کند، سیاست تحریم اقتصادی به قیمت تباهی مردم را پیش میکشند. این سیاست بیمارگونه اولاً مستقیماً معیشت مردم را به گرو میگیرد و دردناکتر به بهانه ای در دست رژیمهای جنایتکاری مثل بعث و جمهوری اسلامی تبدیل شده که سبانه ترین تعرض معیشتی را به طبقه کارگر و بخش عظیم مردم محروم به بهانه "تحریم هستیم" توجیه کنند. در نتیجه چنین صفحه ۱۰

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



## پیر کشی، کرونا و سرمایہ داری

آذر ماجدی



بدون وسایل حمایتی موثر در جبهه مبارزه با کرونا در جنگ اند. در آمریکا، اسپانیا و چند کشور دیگر پرسنل درمانی دست به اعتراض زده اند.

بهترین و موثرترین راه مقابله با یک اپیدمی یا در این مورد پاندمی پیشگیری است. وجود وسایل پیشگیری موثر و باندازه کافی می توانست میزان مرگ و میر را به میزان زیادی کاهش دهد. قرنطینه یک راه موثر دیگر است. در یک مستند تلویزیونی اعلام شد که اگر چین هشدارهای سازمان بهداشت جهانی را جدی گرفته بود و بلافاصله دست بکار می شد یا حتی دو هفته زودتر دست به همان اقدامات می زد اکنون ابعاد بحران و فاجعه بسیار کمتر میبود. دولت ایتالیا کشوری که با هجوم شدید ویروس کرونا مواجه شد تا اواسط مارس اقدامی نکرد؛ تنها پس از مواجهه با ارقام بالای مبتلایان و مرگ و میر اعلام قرنطینه کرد. دولت بریتانیا دو سه هفته پس از ایتالیا دست بکار شد. دولت سوئد هنوز طبق سیاست فاشیستی "مصونیت گله ای" عمل می کند. وضعیت آمریکا از اروپا وخیم تر و میزان مرگ و میر در آن بسیار بالا تر است.

مصونیت گله ای که نخست وزیر بریتانیا نیز ابتدا بعنوان سیاست دولت اعلام ولی پس از چند روز تحت فشار مجبور از عقب نشینی از آن شد، هیچ نیست جز داروینیسیم اجتماعی یعنی تز بقای قوی ترین؛ با اتخاذ این سیاست انسان هایی که به هر دلیلی، کهولت، بیماری های دیگر از جمله قلبی، ریوی، مرض قند یا سرطان سیستم دفاعی ضعیف تری دارند، می میرند؛ اما جامعه در برابر ویروس مصونیت می یابد. باین ترتیب دولت های سرمایہ داری با یک تیر دو نشان می زنند هم برای مقابله با کرونا هزینه کمتری صرف می کنند و هم با از بین رفتن سالمندان و دیگر انسان های ضعیف مخارج بیمه و درمان را در مجموع کاهش می دهند؛ حقوق بازنشستگی و هزینه های مربوط به نگهداری از سالمندان را نیز پرداخت نمی کنند. بقول انگلیسی: "یک موقعیت بُرد بُرد" برای دولت!

اما مساله اینجاست که دکترها و دانشمندان بسیاری این سیاست را ناکارا خوانده اند؛ نه بخاطر غیر انسانی بودن آن، بلکه از اینرو که تز مصونیت ثابت نشده است و در همین مدت مواردی بوده که کسانی که یکبار مبتلا شده و بهبود یافته اند بار دیگر مبتلا شده اند.

این سیاست شرم آور و ضد انسانی سریعاً با اعتراض روبرو شد و در اروپای غربی بغیر از سوئد سایر دولت ها رسماً از این سیاست عقب کشیدند ولی عملاً بطور پوشیده آنرا پی می گیرند. عدم تامین وسایل پیشگیری، عدم تهیه و نتیلیتور (دستگاه کمک تنفسی) عدم گسترش تخت های مراقبت ویژه در بیمارستان ها (ICU) عملاً تداوم همان سیاست است اما بشکلی پوشیده.

انسان های بسیاری مثل برگ خزان بر زمین می افتند و این سیاستمداران ریاکار و دروغگو مشغول رفع و رجوع امور هستند؛ ارقام واقعی مرگ و میر را پنهان می کنند؛ فاکت های مربوط به بیماری و وسایل پیشگیری را اعلام نمی کنند؛ بعضاً رسماً دورغ می گویند و دو روز بعد بدون آنکه بروی خود بیاورند حرفهای پیشین خود را منکر می شوند. اینست دولت سرمایہ داری. و اینها همه تحت دموکراسی انجام می گیرد.

در این بحران کرونا سیستم سرمایہ داری بیش از پیش افشاء شد. ضد انسانی بودن آن در مقابل چشمان همگان قرار گرفت. عدم کارایی آن در قرن بیست و یک، علیرغم پیشرفت علم و تکنولوژی در مقابله با یک ویروس جدید، و عدم احساس مسئولیت دولت های سرمایہ داری در مقابل جامعه و شهروندان عادی چشمان متوهم ترین انسان ها را نیز به حقایق این نظام گشود. بعلاوه، نظامی که ایدئولوگ ها و دولت ها بعنوان کارآترین و مناسب ترین نظام اقتصادی از آن یاد می کنند، چند هفته پس از مقابله با یک ویروس کشنده وارد یک بحران شدید شد و انستیتوهای بین المللی اقتصادی و آکادمیک از یک بحران عمیق بیکاری و قحطی جهانی سخن می گویند. این واقعیت نظام سرمایہ داری در پیشرفته ترین سرمایہ داری های تحت دموکراسی است. کشورهای عقب مانده تر و تحت دیکتاتوری دارای وضعیتی بمراتب تراژیک تر هستند.

پیر کشی سیاست اعلام نشده ولی نه چندان پوشیده دولت های سرمایہ داری در بحران کرونا است. هر روز صدها نفر در خانه های سالمندان از کرونا جان می بازند. طبق گزارشی از بی بی سی ۴۵ درصد مرگ و میر بر اثر کرونا در بریتانیا در خانه های سالمندان بوده است؛ در نروژ و دانمارک ۶۵ درصد. ظرف دو هفته بیش از ۴۰۰۰ نفر در بریتانیا در خانه های سالمندان بر اثر کرونا جان باخته اند. طی دو بخشنامه در ۱۹ مارس و ۴ آوریل دولت بریتانیا به سازمان درمان ملی (ان اچ است) دستور داده است که سالمندانی که در بیمارستان بستری هستند را به خانه سالمندان باز پس بفرستند؛ باز پس فرستادن سالمندانی که ناقل ویروس کرونا بوده اند یک علت اصلی مرگ و میر بالا در خانه سالمندان در بریتانیا ارزیابی می شود. در هفته دوم آوریل مرگ و میر در میان ساکنین خانه سالمندان بیش از دو برابر شده است.

مدیر بخش اروپایی سازمان بهداشت جهانی اعلام کرد که نیمی از مرگ و میر بر اثر کرونا در اروپا در خانه سالمندان بوده است. در مجموع ارقام رسمی مرگ و میر در اروپا صد هزار نفر است. در نیویورک دو درصد ساکنین خانه سالمندان بر اثر کرونا جان باخته اند. در هفته دوم آوریل مرگ و میر در خانه سالمندان بر اثر کرونا در آمریکا دو برابر شد و حدود ۵۷۶۰ نفر جان باختند.

این ارقام فقط بخشی از تصویر بحران مرگ و میر سالمندان بر اثر کرونا را برملا می کند. از همان ابتدا بی توجهی و عدم تقبل مسئولیت دولت های دموکراسی سرمایہ داری در قبال هجوم این ویروس موجب ارقام بسیار بالای مرگ و میر شده است. سازمان بهداشت جهانی در ماه سپتامبر به دولت ها هشدار داده بود که یک پاندمی در راه است. هیچیک از دولت ها اقدامی در این رابطه انجام ندادند. یک علت رقم بالای مرگ عدم وجود وسایل حمایت کننده، از جمله ماسک است. این دولت ها وقت کافی برای تهیه ماسک و وسایل حمایتی داشتند اما هیچ اقدامی نکردند. هنوز نیز اقدام موثری انجام نمی دهند. پرسنل درمانی

در یک نگاه

تحریم اقتصادی را توجیه نکنید ...

پیر کُشی

## کرونا و سرمایه داری ...

در ایران که در دست یک عده دزد سرگردنه و جنایتکار اسیر است وضعیت بسیار فلاکت بار تر است و هنوز ابعاد فاجعه کاملاً بر ملا نشده است. یک از فرماندهان سپاه چند روز پیش در کمال وقاحت گفته است: "تعدادی دکتر و نرس و آدم های پیر مرده اند اینها که عددی نیستند!"

این سیاستمداران و آکادمیسین های نان به نرخ روز خوری که در خدمت این دولت ها از هر شرف علمی - انسانی تهی هستند با اعلام آمار و ارقام و کشیدن تعدادی منحنی سعی می کنند همه چیز را عادی یا اجتناب ناپذیر جلوه دهند. آمار و ارقام و درصد و منحنی قادر است انسانیت و حقیقت انسانی و وجدانی را از واقعیت سلب کند. ده درصد بنظر رقم بالایی نیست! اما ده درصد ده میلیون نفر یعنی یک میلیون نفر، و اینها یک میلیون انسان هستند که احساس می کنند، درد می کشند، دوست دارند، عده ای دوستشان دارند؛ تمام این وجوه در منحنی ها گم می شود. ۵۰ هزار سالمندی که طبق آمار رسمی در اروپا جان باخته اند (ارقام واقعی از این بالاتر است و شاید بعداً رو شود) پدر و مادر کسانی و پدر بزرگ و مادر بزرگ کسان دیگری بوده اند. وقتی به این ارقام پوست و گوشت می دهید، است که تراژدی با تمام شوک بر وجودتان سنگینی می کند.

سرمایه داری می کشد! سرمایه داری دون بشریت است! سرمایه داری بیش از حد دوام آورده است. این نظام دیگر در شان انسان قرن بیست و یک نیست. باید آنرا سرنگون کرد. باید دنیا را بر قاعده اش قرار داد. وقت آن رسیده است. باید برای نابودی سرمایه داری سازمان یافت.

۳۰ آوریل ۲۰۲۰

## همیاری انسانی را گسترش دهیم!

زنان و مردان آزادیخواه، جوانان انقلابی، انساندوستان! دست همدیگر را بگیریم. به شیوه های ایمن ابتکارات مختلف را بکار گیریم. کودکان کار، بی مسکنان، حاشیه نشینان، محرومان، سالخوردگان، بیماران، معتادین و کسانی که قربانیان این نظامند، بیش از بقیه نیازمند دست یاری هستند. از نیاز به وسائل بهداشتی و غذا و لباس تا جایی برای آرمیدن. همیاری انسانی را گسترش دهیم. اینروزها تعیین کننده اند. همه میخواهند زندگی کنند. من، تو، ما، میخواهیم زنده بمانیم!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

سیاست جنایتکارانه ای جایز نیست، توسط کارگران و آنها در قطعنامه ای در روز کارگر توجیه شود. حاصل این توجیه گری در ادامه در این قطعنامه به این شکل خود را نشان میدهد که "طبق اظهارات سران دولت و حکومت قرار است به فرصتی برای وادار نمودن دولت آمریکا به لغو تحریم ها، نه برای هزینه معیشت مردم، بلکه برای مقاصد خود تبدیل کنند". گویی این قطعنامه از لغو تحریمها در این شرایط ناخشنود است، چون "رژیم برای مقاصد خود" از آن استفاده میکند. واضح است جمهوری اسلامی از هر مساله ای اهداف ضد انسانی خود را تعقیب میکند، همانطور که شنیع تر از ادامه تحریم اقتصادی بیشتر به نفع خود استفاده میکند. در نتیجه این استدلال نمیتواند قانع کننده باشد. تحریم اقتصادی هر زمان و هر وقت و بی قید و شرط لازمست لغو شود. چنین اتفاقی به نفع معیشت و زندگی و حتی مبارزه کارگران و مردم و بزرگترین بهانه برای تعرض معیشتی علیه کارگر و مردم را از دست سرمایه داران و جمهوری اسلامی میگیرد. واضح است اساساً ستم و رنج و محنت طبقه کارگر و مردم ایران نه ناشی از تحریم اقتصادی، بلکه ناشی از خود حاکمیت سرمایه و جمهوری اسلامی است و لازمست سرمایه و جمهوری اسلامی را از اریکه قدرت به زیر کشید و این دستور کار مهم طبقه کارگر و ما کمونیستها در ایران است.

ایرادات دیگری هم بر همین پاراگراف نقل شده از این قطعنامه وجود دارد، اما در یک نگاه فشرده نقدم را بر این دو محور محدود میکنم. امیدوارم به تفاهم سازنده ای با تهیه کنندگان قطعنامه تبدیل شود.

در خاتمه باید تاکید کنم اگر این قطعنامه این ایرادات اساسی را دارد، با خرسندی باید گفت چند قطعنامه دیگر از جانب فعالین و نهادهای کارگری منتشر شده که به نحو شایسته جنبش رادیکال کارگری را نمایندگی کرده اند. به همه آنها و کوشندگان طبقه کارگر که در شرایط سخت امسال و با وجود فاجعه کرونا، اول مه روز جهانی کارگر را گرامی داشتند، درود میفرستم.

\*\*\*

## زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را

همه جا برپا کنید! در کارخانه ها و محلات

شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان

مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

## اوضاع اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی و گسترش دوباره مبارزات کارگری و اجتماعی در ایران

نادر شریفی

بر کسی پوشیده نیست که جمهوری اسلامی با مشکلات عدیده اقتصادی و اجتماعی در ایران روبرو است. سقوط نفت به ازای هر بشکه (۲۲۰ لیتری) تا ده دلار و آنهم با اعتبار و شرط و شروط پرداخت چند ماه تا چندساله، شیوع پاندمی کووید ۱۹، شروع دوباره مبارزات کارگری، مشکلات و هزینه های سنگین نیروهای سرکوب و مزدور حکومت در ایران و منطقه و ... جمهوری اسلامی را به ورشکستگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کامل کشانده است.

حسن روحانی روز پنجشنبه ۲۱ فروردین ماه در جلسه شورای امنیت ملی گفته است: «اگر بین دو تا دو و نیم میلیون نفر جان خود را به علت ابتلا به کرونا از دست بدهند، ما به خاطر وضعیت اقتصادی و معیشت مردم (شما به جای "مردم" بخوانید، بورژوازی) نمی‌توانیم کشور را تعطیل کنیم.» صرف نظر از اینکه این گفته ها از طرف سخنگویان حکومتی تکذیب شد، اظهارات او نشان دهنده واقعیت امروز و بحرانی نظام اسلامی در ایران است. دولت با درآمد نسبی و حواله ای روزانه سی تا پنجاه میلیون دلار، حتی موفق به پرداخت هزینه روزانه حکومت و دستگاههای سرکوب خود برنخواهد آمد، چه برسد به اینکه حتی اگر میخواست، که ابدا موضوع کارش این نیست، به وضعیت معیشت مردم رسیدگی کند. برای همین روشن است با امکان گرفتن اعتبار از بانکهای جهانی و صندوق بین المللی پول، قرار بود چه گرهی از بسته مشکلات اقتصادی بزرگ حکومت حافظ سرمایه در ایران باز شوند؟ دست آخر چه کسانی این بدهی ها را با بهره دوباره بازپرداخت کنند؟ روحانی در ادامه سخنان خود میگوید: «اگر مشاغل و اصناف را تعطیل کنیم، چند وقت دیگر با اعتراضات خیابانی ۳۰ میلیون گرسنه روبرو خواهیم شد... که این بحران در صورت وقوع قابل کنترل نخواهد بود». بنظر من حسن روحانی یکبار هم که شده از یک واقعیت عینی در جامعه ایران پرده برمیدارد. اجازه بدهید که روی این اظهارات کمی بیشتر مکت کنیم؟

فرض بگیریم که جمعیت فعلی ایران چیزی بین هشتاد تا هشتاد و پنج میلیون "نفر" باشد. از این تعداد نوجوانان و کودکان (که درصد بالایی در جامعه را تشکیل میدهند)، سالمندان، بازنشستگان و معلولین و بیماران در جامعه را کم کنیم، به رقم مهمی میرسیم که روشن بیان کننده دو جبهه متقابل مهم و رودرودر جامعه نیز هست. تولیدکنندگان و سازندگان اصلی جامعه (بر اساسی آمار تقریبی حسن روحانی) حدودن سی میلیون (همان گرسنگان) و در جبهه مقابل یک جماعت انگل صفت دو تا سه میلیونی مرکب از آیت الله ها و آقازاده گان، بورژواها، نیروهای سرکوب سپاه و بخصوص نیروهای ویژه سپاه پوشش، بازاریان و اصلاح طلبان حافظ نظام. اظهارات حسن روحانی نشان

دهنده یک واقعیت عینی دیگر در جامعه نیز هست. ترس و وحشت جمهوری اسلامی از انقلاب گرسنگان! ترس و وحشت رژیم از مبارزات کف خیابانی حداقل سی میلیون "گرسنه" طبقه کارگر که از هرگونه رفاه و تامینی بی بهره اند ولی با فروش کار خود جامعه را همیشه تامین کرده اند. ترس حکومتی که از روز اول در سرکوب طبقه

کارگر، در گرسنگی دادن به زحمتکشان، در جاری کردن قوانین عصر حجری اسلامی در میان کل حکومتهای حافظ سرمایه رتبه اول را دارد. حکومتی که در میان دارندگان زندانی در جهان رده ششم و در اعدام و شکنجه و کشتار مخالفین سیاسی در ردیف اول ایستاده است. حکومتی که رئیس جمهورش با گستاخی کامل اعلام میکند دو تا دو و نیم میلیون دیگر را هم به کشتن خواهد داد تا شاید با ایجاد ترس، با بالا بردن درصد اعدامیان، با انواع ترسند و حيله مثل تفرقه اندازی بین طبقه کارگر، جلوی مبارزات طبقه کارگر برای واژگونی نظام سرمایه و جلوی متحد و متحزب شدن جامعه را بگیرد.

این رژیم میداند که جامعه نمیتواند با و یا بدون وجود پاندمی "کرونا" حکومت را تحمل کند. سی میلیون گرسنه مجبورند به هر نوع ممکن، تکلیف شان را با جمهوری نکبت اسلامی سرمایه روشن کنند. اعتراضات کارگران معادن کرمان در روزهای گذشته تا اعتصابات کارگری در دیگر جاهای ایران نشان دادند که سی میلیون طبقه کارگر گرسنه در ایران به همراه خانواده های آنان نمیتوانند برای مدت نامعلومی وضعیت اسفبار کنونی را تحمل کنند. سی میلیون تولید کننده واقعی جامعه، نان شب ندارند! گرسنه و بی حقوق اند، دارای حداقلی از سطح معیشت برای ادامه زندگی نیستند. طبقه کارگر دیوانه نیست، راهی بجز سرنگونی این نظام و دست بردن بقدرت سیاسی و آنهم فوری ندارد.

### اما پاسخ جمهوری اسلامی به "گرسنگان" چیست؟

جمهوری اسلامی، همانطور که انتظار میرفت، شمشیرش را از رو بسته است. اگر بورژوازی اسلامی کمی عاقل بود، سعی میکرد با تامین حداقل سطح معیشت در جامعه عمر نکبت بار خود را چند صباحی به درازا بکشاند. ولی بورژوازی اسلامی همراه با ولی فقیه و آیت الله های انگل صفت، بجز سرکوب و دستگیری و کشتار چیز دیگری نمی شناسند. روحانی رو به طبقه کارگر رسماً تهدید میکند. خودش میداند که جمهوری اسلامی در چهل و یکسال عمر نکبت بارش کار دیگری نکرده است. این که نقشه عمل جدیدی برای نظام عصر حجری اسلامی نیست: دستگیری، شکنجه و اعدام.

اما جامعه از این حکومت عبور کرده است. اگر این حکومت نفس میکشد، هرچند آخرین نفسهایش را و هنوز انسانهای بیگانه را به دار می آویزد، بخاطر شیوع یکباره ویروس کرونا است و نه چیز دیگری. شیوع کووید ۱۹ نکبت و خطر جدی شد برای جامعه و موهبتی برای حکومت اسلامی! جنبشهای آبان و دیماه سال گذشته و هم اکنون اعتصابات و اعتراضات کارگری و چشم انداز گسترش آن در سراسر کشور نشان میدهند که طبقه کارگر در ایران هم تصمیم قطعی اش را برای سرنگونی نظام نکبت سرمایه گرفته است. بزدلان حکومتی با اعدام اسیران در بند، دادگاهی کردن دوباره زندانیان سیاسی و غیره تنها هراس



شانه بالا انداختن نسبت به سلامت و جان مردم، عدم تامین حداقلی از معیشت در دوره بحران، بیکاری و فقر، دامنه ابعاد و عوارض ناشی از این بحران را صد چندان کرده است. دغدغه نان و تامین معیشت هنوز فرصت فکر کردن به ابعاد این فاجعه و عوارض اقتصادی و روانی آنرا از مردم سلب کرده است. جامعه ایران به یمن

حاکمیت یک مشت سرمایه دار و مفتخور و دزد و فاسد با فقر و بیکاری میلیونی و دهها درد و مصیبت اجتماعی روبرو بوده و بحران کنونی جامعه را از هر لحاظ با چالشهای اجتماعی به مراتب بزرگتری از جمله بیکاری و فقر روبرو کرده است.

حسن روحانی به نمایندگی از نظام با وقاحت تمام و در کمال قصاوت و بیرحمی گفت که "۲ میلیون نفر بمیرند بهتر است که ۳۰ میلیون گرسنه به خیابان بریزند". بر همگان آشکار است که برای رژیم جمهوری اسلامی حفظ نظام به هر قیمتی بر همه چیز اولویت دارد و اغراق نیست که گفته شود، همه امکانات از بودجه و ارتش و سپاه و بسیج را در خدمت این هدف قرار داده است". اخیرا مجلس اسلامی در باره افزایش بیکاری و بروز ناآرامی در ایران هشدار داده است. روز ۱۷ فروردین مرکز پژوهشهای مجلس در گزارش خود هشدار داده که تاخیر نهادهای حکومت در حمایت از گروههای فقیر و ادامه این وضعیت ممکن است که "رخدادهای دردناک به همراه داشته باشد". این گزارش همچنین می افزاید که پیامدهای اقتصادی بحران کنونی بین ۲,۸ میلیون تا ۶,۴ میلیون نفر از شاغلان فعلی شغل خود را از دست می دهند.

روشن است که آمارهای جمهوری اسلامی هیچوقت جای اعتبار نیستند و آمار دقیقی از شمار بیکاران در دست نیست. علاوه براین به دلیل بحران اقتصادی قدیمی جمهوری اسلامی و تعطیلی واحدهای تولیدی و خصوصی سازی و اخراجها، بدون جایگزینی شغلهای جدید، هر روز بیشتر بر ارتش بیکاران افزوده می شود. روز به روز آمار اشتغال کاهش میابد و قراردادهای موقت و سفید بدون تضمین شغلی، بدون بیمه بیکاری گسترش میابد. تورم و گرانی سرسام آور را به این فاکتورها اضافه کنید آنگاه متوجه میشویم که "تشدید بیکاری مساوی است با فقر بیشتر و مرگ تدریجی کارگران و محرومین جامعه". در این شرایط است که کارگر برای تامین حداقل بخور و نمیری از معیشت ناچار است تن به هر کاری بدهد و نیروی کار خود را به قیمت بسیار ارزان به کارفرما و سرمایه دار بفروشد. اگر زور و سرکوب و اختناق نباشد این وضعیت برای هیچ بنی بشری یک روز قابل تحمل نیست و این تنها ابزار رژیم سرمایه داری اسلامی برای بقا و حفظ حاکمیت ظالمانه و مستبد خود است. به این دلیل است جنایتکاران اسلامی در دل بحران کرونا که مردم با این همه رنج و مشقت دست به گریبانند دست از اعدام و زندان و اذیت و آزار زندانیان بر نمیدارند و نهایت خشونت را برای به سکوت کشاندن مردم به خرج می دهد.

#### مقابله با بیکاری و فقر

مقابله با بیکاری و فقر عرصه وسیعی از مبارزه طبقه کارگر و بخش وسیعی از محرومین به تنگ آمده از فقر و نداری در جامعه ایران است. در دو سال گذشته مبارزه طبقه کارگر و بخش وسیعی از

## تشدید بیکاری و فقر، مرگ تدریجی کارگران اتحاد علیه بیکاری، یک تقابل سازمانیافته کارگری

### سعید یگانه

یکی از چالشهای بزرگ اجتماعی گریبانگیر جامعه ایران بیکاری میلیونی و فقر و عدم امنیت شغلی بخصوص در میان طبقه کارگر، مزدبگیران و سایر اقشار محروم جامعه است. هر چه زمان می گذرد اخراج و نرخ بیکاری سیر صعودی پیدا می کند و دولت و سرمایه داران به دلیل بحران و ورشکستگی اقتصادی و اختلاس و دزدی و فساد و اختصاص بودجه های هنگفت به دستگاهها و نهادهای حفظ نظام، راه حلی حتی کوتاه مدت برای خروج از بحران عظیم بیکاری و فقر وجود ندارد. در اکثر واحدهای تولیدی نیز آنجا که کارگران به کار مشغولند، ماهها حقوق آنان پرداخت نمیشود و مبارزه برای پرداخت حقوقهای معوقه در میان بخش عظیمی از کارگران در سالهای گذشته بصورت اعتراض و اعتصاب در دستور روز کارگران قرار داشته و دارد.

بیکاری یکی از عوارض دائمی نظام سرمایه داری است. در بحرانهای سرمایه داری بیکار سازیها وسیع میشود. به این طریق سرمایه داران به کمک دولتها از طریق اخراج کارگران و ایجاد رقابت میان آنان، کارگران را امیدارند نیروی کارشان را به قیمت ارزانتری در اختیار کارفرما قرار دهند تا دوباره بخشی از سودآوری سرمایه را در یک بازه زمانی تامین کنند. در واقع سرمایه داران و دولتها، عوارض ناشی از بحرانهای اقتصادی را با اخراج و بیکار سازی، کاهش دستمزدها و مزایای حقوقی و زدن رفاهیات اجتماعی از جیب طبقه کارگر و مردم محروم جامعه جبران میکنند. به این اعتبار در هر بحران اقتصادی، قبل از همه این طبقه کارگر و مردم کم درآمد است که بار این بحران را از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و روانی بر دوش میکشند و هزینه آن را با جسم و روح و روان خود می پردازند.

در سه ماه گذشته با شیوع بحران کرونا در جهان به دلیل توقف چرخ تولید و اقتصاد، میلیونها کارگر و کارکن جامعه از کار بیکار شده و شغل خود را از دست داده اند. بحران اقتصادی کنونی بزرگترین چالش اقتصادی بعد از بحران اقتصادی ۲۰۰۸ است و جوامع زیادی را بحران بیکاری و تامین معیشت روبرو کرده و مهار و بازگرداندن آن به موقعیت قبل از بحران برای دولت و سرمایه داران در کوتاه مدت غیرممکن به نظر میرسد. اگر در کشورهای پیشرفته سرمایه داری به درجه ای مسئولیت پذیری دولتها در قبال جامعه، پرداخت درصدی از حقوق کارگران و کارمندان، تامین حداقلی معیشت و تزریق پول میلیاردی به شرکتها بزرگ و کوچک بتوانند از این بحران عبور کنند، در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی سرمایه داران از این خبرها نیست، مردم و بخصوص طبقه کارگر و قشر ضعیف جامعه دارند هزینه این بحران را تماما بر دوش میکشند.

رفتار غیر انسانی رژیم اسلامی در این بحران، مخفی کاری، دروغ و

## اوضاع اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی و گسترش

### دوباره مبارزات کارگری و اجتماعی در ایران ...

عینی و واقعی خودشان را در جامعه بنمایش گذاشته اند. حکومتی که واهمه از اعتراض ندارد، رئیس حکومتش از به خیابان آمدن سی میلیونی گرسنه به لکتت زبان نمی افتاد. حکومتی که اپسیلونی در جامعه پشتیبانی می دید، پس از دستگیری زندانیان فراری از خطر مرگ یک بیماری طبیعی، آنها را یک شبه اعدام نمی کرد! حکومتی که ذره ای از حقانیت مردمی پشت سرش داشته باشد لازم ندارد روزانه نیم میلیون مزدور اسلحه بدست توی خیابانها بچرخاند که مبادا سه نفر دور هم جمع شوند.

در مقابل حکومت‌های از نوع جمهوری اسلامی، میتوان جامعه سوسیالیستی کارگران را گذاشت که عدالت وسیع اجتماعی در آن حکم فرماست. این نظام و جامعه معطل اعتیاد و ناهنجاریهای اجتماعی را با مدرنترین و انسانی ترین مندهای شناخته شده علمی برطرف میکرد. کسی بخاطر "نداشتن و فقر" مجبور به فروش کلیه و یا اعضای خانواده اش نمی شد. تک تک اعضای جامعه "صاحب خانه" کل جامعه هستند و مجبور نبودند بخش اعظم حاصل کارشان را بنام "اجاره" برگردانند و حتی با این وجود حداکثر هرسال یکبار محل زندگی خود را برای حفظ "نرخ رشد سود" ترک کنند. با شیوع پاندمیهای طبیعی مانند کووید ۱۹، جامعه هوشمندانه با آن روبرو میشد. جان و سلامتی تک تک شهروندان آن جامعه برایش مهم بود و برای سلامتی شهروندان با استفاده از بالاترین دست آوردهای علمی عمل میکرد. در جوامع سوسیالیستی، آخوند و مفت خور انگل صفت نداریم! سیاستمدار حرفه ای نداریم. قدرت نه از بالا به پائین که از

شوراها و از پائین به بالا تعریف میشد. زندانی سیاسی نداریم، تن فروشی نداریم، اعدام نداریم، قتل ناموسی نداریم، بهره بری اقلیتی بر اکثریتی بنام دموکراسی نداریم! مثنی شارلاتان و فرصت طلب بنام ناسیونالیست و قوم پرست بدنبال منافع شخصی خود، جامعه را به قهقرا هدایت نمی کردند، اعتقادات مذهبی و غیر مذهبی امر شخصی انسانها بود، بخاطر نوشیدن و خوردن کسی را شلاق نمیزدند، گرسنه نداشتیم، سالمندان برای گذراندن امورات زندگی خود مجبور نبودند در دوران بازنشستگی بدنبال فروش کار خود باشند. کودکان سر کلاسهای درس برای ساختن مرفه ترین جامعه آماده میشدند، حقوق شان تامین بود، لباسشان فراهم بود، "کاری" بنام کولبری نداشتیم. کولبری کار نیست، کولبری مسخ انسان و انسانیت است، عقبگرد به دوران ماقبل عصر حجر است، کولبری مهر داغ بر روی جامعه ای است که هنوز موفق نشده خود را شر خدا و دین و مذهب و بربریت سود نجات دهد.

در سرآغاز روز جهانی کارگر تنها میتوان یک فراخوان داد:

کارگران ایران متحد و متحزب شوید و خود و به این ترتیب جامعه ایران را از نظام سرمایه با تمامی غل و زنجیرهایش از جمله تحمیق مذهبی و تضادهای کاذب هویتی قوم گرایان و نژادپرستان، فرودپرستان و ... نجات دهید! سعادت، خوشبختی، رفاه، آسایش، تضمین زندگی در یک دنیای بهتر تنها از راه تسخیر قدرت سیاسی میگردد. کاری که تنها از کارگران و حزب کارگری کمونیستی برمی آید.

زنده باد روز جهانی کارگر  
زنده باد انقلاب کارگری

۳۰ آوریل ۲۰۲۰ - ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۹

## تشدید بیکاری و فقر، مرگ تدریجی کارگران ...

اردوی کار، از اعتراض خیابانی تا اعتصاب از دیماه تا خیزش انقلابی آبانماه و بعد از آن، بر محور تقابل با رژیم و سرمایه داران برای پایان دادن به جهنم بیکاری و فقر و ستم طبقاتی در جریان بوده است. بحران کرونا وقفه ای در این کشمکش به نفع رژیم اسلامی ایجاد کرده است. رژیم اسلامی در هراس از شروع و گسترش این اعتراضات هم اکنون شمشیر را از رو بسته و دور دیگری از اعدام و خشونت و احضار و سرکوب را آغاز کرده است.

طبقه کارگر و بخش وسیعی از مردم محروم در این مبارزه چیزی برای از دست دادن ندارند. به موازات عمر جمهوری اسلامی بیکاری و فقر گسترش میابد و بهبودی قابل پیش بینی نیست. در مبارزه علیه بیکاری و فقر ضمن طرح خواست تامین معیشت کافی برای همه بیکاران و محرومان و بیمه بیکاری مکفی برای همه بیکاران و کارگران اخراجی، یک تلاش سازمانیافته علیه بیکاری توسط ارتش بیکاران با حمایت کارگران شاغل ضروری است. نقش پیشروان و فعالین سوسیالیست جنبش کارگری برای پیشبرد مبارزه سازمانیافته علیه بیکاری و فقر بسیار مهم و به یکی از اولویتهای مبارزه طبقه کارگر همین امروز علیه سرمایه داران و دولت حامی آنها تبدیل شده است. این مبارزه بدون تشکل یابی کارگران ممکن و عملی نیست. با توجه به پراکندگی کارگران بخصوص کارگران بیکار، برای رویارویی و تضمین ادامه کاری و تحقق مطالبات کارگری و تقابل سازمانیافته با تهدید و سیاستهای سرکوبگرانه رژیم، کارگران راهی جز اتحاد و تشکل برای ادامه مبارزه ندارند.

این وضعیت قابل تحمل نیست. تقابلهای جدیتری در راه است. طبقه کارگر و رهبران سوسیالیستی کارگری برای پیشبرد امر مبارزه با بیکاری و فقر باید سازمانهای توده ای و شورایی خود را بسازند، در اتحاد با بخش وسیعی از محرومان و ستمدیدگان جامعه، معلمان، زنان و سایر مزدبگیران، سازمانیافته در شوراها، مجامع عمومی کارگری و هر تشکل ممکن و پایدار و عملی به این مصاف طبقاتی بروند. ضروری است طبقه کارگر و رهبران و فعالین سوسیالیست پرچم مبارزه علیه بیکاری و فقر را به دست بگیرند و سایر اقشار ستمدیده را با خود همراه کنند.

۲۹ آوریل ۲۰۲۰

## زندانیان؛ از وعده آزادی تا اعدام!

جاوید حکیمی

یک داستان عوامانه در خصوص سردار سپه می گوید که وی به سران قشون مخالف دولت، وعده سردار شدن داده بود مشروط بر آنکه تسلیم شوند. آنگاه که آنان فریب خورده و اسلحه را زمین گذاشته بودند وی جملگی را بر سر دار کرده بود. در قاموس بورژوازی سیاست یعنی همین؛ وعده، خدعه، دروغ و دست آخر حذف مخالف.

حکومت اسلامی نماینده طبقه استثمارگر و خلف برحق خاندان پهلوی است. ظرف چند هفته اخیر و متعاقب شیوع ویروس مرگبار کرونا شمار اعدام شدگان طی یک روند پرشتاب دو رقمی شده است. مصطفی سلیمی، شایان سعید پور، کیوان الله مرادی، سینا محمدی، یاسر رسولی، زرار پیغامی، فایق شریفی، رامیار مخلص، واحد فیضی، لقمان احمد پور و تعدادی دیگر در حالی اعدام شدند که حق این بود اکنون کنار عزیزانشان باشند. مگر حکومت وعده آزادی زندانیان را در این روزهای سخت نداده بود؟ یک لحظه حال و احساس خانواده هایی را تجسم کنید که برای دیدار عزیزانشان روز شماری کرده بودند و حالا جسدشان را تحویل گرفته اند. شعله ور ساختن شوق دیدار در کسی و ناگهان کشتن این اشتیاق برای همیشه؛ کسی می داند یعنی چه!

روزی که آخوند ربیسی این رئیس قاتل ها وعده آزادی زندانیان را رسانه ای کرد به حکم واقع بینی مسلم بود که این دروغی بی شرمانه است. آزادی پیشکش، این حکومت اسرای ما را خودکشی ندهد نهایت "رافت اسلامی" را به خرج داده است. واقعیت هرگز به میل انسان و به صرف نادیده انگاشته شدن محو نمی شود بلکه خود را به شدیدترین وجه و در بدترین زمان ممکن عیان می کند. این حکومت در طول چهل سال حاکمیت ننگینش یک ریال دستمزدها را افزایش نداده، یک گام برای بهبود معیشت مردم برنداشته و یک زندانی را آزاد نساخته مگر در یک جدال واقعی با کارگران، زندانیان و توده ها. این واقعی ترین گزاره در خصوص رابطه دولت و مردم است.

آن وعده آزادی تنها برای توجیه بی مسئولیتی و لاقیدی رفتار حکومت نسبت به زندانیان و ممانعت از شورش احتمالی آنان بود. مردمی که خیال می کردند عزیزانشان ولو موقت امروز و فردا به خانه می آیند دیگر نسبت به شرایط نامطلوب در زندان ها حساسیت چندانی نشان ندادند و این یگانه هدف دولت بود. رامین

ایزد پناه از جمله کسانی بود که قربانی بی مسئولیتی زندانبانان شد و در زندان اوین به مرض کرونا جان باخت. این تقدیر تلخ و قتل خاموش بیگمان در انتظار اسرای دیگر هم بود. زندانیان این بی پناه ترین انسانها در برابر ویروس کرونا و حکومت اسلامی هر دو، بالاخره تاب نیاوردند و سر به شورش برداشتند.

هیچ حقی بدیهی تر از حق حیات و هیچ شورشی برحق تر از شورش زندانیان نیست. در همه جای جهان، دولت ها مسئول تامین سلامت و محافظت از زندانیان در بند هستند وگرنه اصلاً زندانی و مجازات کردن برای چه. اما اینجا خاک پاک ایران است. تمام دول جهان با همه گند و کثافتشان یک طرف و دولت اسلامی سرمایه یک طرف. دستگیری مجدد فراریان و بر دار کردن آنان، اعدام دیگر محکومین برای افزودن به درجه رعب، بعلاوه احضار و بازداشت فعالین شناخته شده، پاسخ حکومت به شورش زندانیان و اعتراض مردم در این وضعیت بحرانی است.

سرکوب و اعدام روش مناسب برای مقابله با توده های معترض است مشروط بر اینکه تاثیر مرعوب کننده داشته باشد. نمی شود به قصد ایجاد رعب و وحشت، مردم را اعدام کرد و چون نتیجه نداد دوباره اعدام کرد و باز هم اعدام! حقیقت آن است که دولت اگرچه همچنان می زند و می کشد لیکن از پس مهار معترضین بر نمی آید. میان مرگ در اثر گرسنگی یا مرگ به خاطر کرونا، انتخاب بد و بدتری وجود ندارد. این بحرانی است که یگانه راه خروج از آن مرگ جمهوری اسلامی است. شورشی بس عظیم تر و برحق تر در راه است.

۲۹ آوریل ۲۰۲۰

## تامین حق سلامتی و وظیفه دولت است!

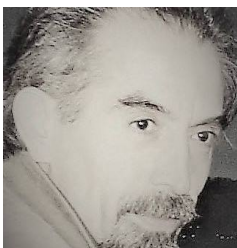
بهداشت جسمی و روانی، طب رایگان و برخوردار از تست مرتب پزشکی یک امتیاز طبقات دارا نیست، جزو حقوق پایه شهروندان است. دسترسی به اطلاعات معتبر و علمی در باره سلامت حق شهروندان است. دادن اطلاعات مرتب به جامعه توسط کادر پزشکی یک تعهد شغلی و یک وظیفه انسانی و علمی است. هر نوع امنیتی کردن این مسئله توسط دولت یعنی ممانعت از حق دانستن و اطلاع از خطر جانی، یعنی ارتکاب عامدانه دولتی برای تهدید سلامت شهروندان. کور کردن ارائه اطلاعات علمی و مال اندوزی از طریق احتکار نیازهای اولیه بهداشتی مردم یک عمل جنایتکارانه است. دولت در قبال سلامت و بهداشت مردم مسئول است. وظیفه فوری دولت است که در وضعیت ویژه و بحرانی کنونی، بیدرنگ هرگونه خدمات پزشکی و دارویی را تماماً رایگان کند. سلامت و جان مردم نباید تجاری شود، جان قابل معامله نیست!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

## از پرولتاریا تا "پریکریات"

"سوسیالیسم فقر" و اتوپی "بهشت سیاسی" سرمایه داری

سیاوش دانشور



فوکویاما ترجمه شد، در تبلیغات به هجوم ایدئولوژیکی راست افراطی به آرمانهای کارگری و کمونیسم و رها کردن قلابه ناسیونالیسم و فاشیسم و مذهب ارتقا یافت، در اقتصاد انجماد دستمزدها، چهارچوبهای موسوم به "مقررات زدائی" در بازار و قراردادهای کار، باز کردن دست دولتها برای اعمال سیاستهای فوق ریاضتی، فقر گسترده،

بیکاری وسیع و فربه تر شدن ارتش ذخیره نیروی کار به پلاتفرم سرمایه تبدیل شد. و صد البته قدری میلیتاریستی و تروریسم دولتی برای فتح بازارهای جدید چاشنی برپاکردن "نظم نوین جهانی" شد.

همزمان مکتب پست مدرنیسم گل کرد. باز تعریف "پسا" مشخصه زمانه و تفکر و تعقل شد؛ کل تاریخ تاکنونی انکار شد، بشر در خود و برای خود، برجسته کردن آرمانهای محدود و عتیق، رجعت به دوران عشایر و قبایل و مذاهب و قومیت، کشورسازی های جعلی، زن کشی، فرهنگ خودم، و تقابل با هرچه ماهیتی تاریخی و جهانی و اجتماعی و طبقاتی داشت باب شد. بسیاری در چرخشهای محیرالعقول در متن این راستگرایی جهانی مشغول نبش قبر تاریخ گهن و احضار ارواح و یافتن هویتی جدید شدند. کارخانه بازتولید گسترده هویتهای مجعول و منسوخ به اساس تعریف دمکراسی نظم نوینی و محور جهان پسا جنگ سرد و پسا صنعتی و پسا مدرنیسم نویافته سرمایه داری هار بدل شد. این دورانی بود که سقوط بلوک شرق و سرمایه داری دولتی همراه بود با سقوط و شکست دولتهای رفاه و سوسیال دمکراسی، عقب راندن هر نوع تعهد دولت به جامعه و نفی حقوق جهانشمول انسان. قرار بود در چهارچوب بازار آزاد هرکسی گلیم خود را از آب بیرون کشد و گلابیاتوری در جنگل رقابت و بازار باشد. بقول الوین تافلر دیگر "جائی برای بی عرضه ها وجود ندارد!"

### بحران یونیونیسیم

با عقب نشینی سوسیال دمکراسی و جناحهای مرکز و قبول پلاتفرم اقتصادی راست جدید، اتحادیه های کارگری نیز بیش از پیش تضعیف شدند. پیوند سنتی احزاب سوسیال دمکرات و اتحادیه ها سست تر شد، بیرون آمدن کارگران از اتحادیه ها بدلیل کرنش و همکاری رهبری شان با کارفرمایان برای حفظ حداقلها و در خیلی جاها قبول انجماد و حتی کاهش دستمزدها، جذابیت پیشین اتحادیه ها را کاهش میداد. در کشورهای سابق بلوک شرق که کارگران آن رویای "جهان آزاد" بورژوازی و سطح زندگی در آلمان و فرانسه و انگلستان و غرب "پیروز" را داشتند، نه تنها متحقق نشد بلکه روند برعکس شد. تهاجم جهانی سرمایه قرار بود سطح معیشت کارگران در غرب را به سطح پائین تری تنزل کند. پرولتاریا در کشورهای غربی با مصافی پیچیده تر روبرو شد، مبارزات کارگری که عمدتاً دفاعی بودند تلاش داشتند سنگرها را از دست ندهند. ناسیونالیسم در سیاست و حرکت اتحادیه ها که سنتا وجود داشت بیش از پیش تحکیم شد و قدرت عمل سازمانهای کارگری در بسیاری از کشورها کاهش یافت. آنچه که "بحران یونیونیسیم" نام گرفت، برآیندی از مجموعه این اوضاع و تحمیل عقب نشینی و تعرض راست جدید در دهه هشتاد بود که در دهه های بعد با جنگ و میلیتاریسم، میداناری شرکتیهای چند ملیتی در بازار جهانی و همینطور تنش ها و مسائل حل نشده دوران جنگ سرد و مسائل جدید دنیای پسا جنگ سرد که قرار بود به یک "نظم نوین

نقطه شروع کمونیسم مارکس و کمونیسم کارگری حکمیتستی، مبارزه طبقاتی بعنوان موتور محرکه تاریخ تحول جوامع تاکنونی است. در سرمایه داری این جدال طبقاتی، گاه آشکار و گاه پنهان، در تمام منافذ جامعه و در قلمروهای مختلف، حول کشمکش طبقات اصلی جامعه یعنی پرولتاریا و بورژوازی دور میزند و از آن تاثیر میپذیرد. در عین حال این نوع کمونیسم ناچار است همواره تمایز خود را از دیدگاهها و اتوپیهای سوسیالیستی و کمونیسمهای غیرکارگری متمایز کند. روشنفکران بورژوازی و آکادمی همواره تلاش دارند علیه بنیادهای کمونیسم کارگری رجزخوانی کنند و هر تحولی در چهارچوبهای سرمایه داری و یا دست بالا کردن بخشهایی از بورژوازی در جنگ درون طبقاتی را علیه جنبش اجتماعی طبقه کارگر و کمونیسم بکار گیرند. تحولات جامعه سرمایه داری، پیچیده شدن تقسیم کار، تغییر سازمان کار، تغییر ترکیب درونی طبقه کارگر و کارگران مزدی، انقلابات تکنولوژیک و پیامدهای آن بر سیاست و اقتصاد و فرهنگ و لایف استایل، هرچه باشد؛ اصل اساسی و مشخصه محوری جوامع کنونی یعنی مناسبات اقتصادی سرمایه دارانه، مالکیت خصوصی بر ابزار تولید، بردگی مزدی و استثمار فرد از فرد، و لذا کشمکش طبقاتی تعطیل ناپذیر را نمیتواند منقذی کند. اما با هر تحول تکنولوژیکی و تغییر بارآوری کار، ما با مفاهیم و مکاتب و دیدگاههایی از آکادمی و روشنفکران بورژوا روبرو میشویم که مدعی اند؛ "مارکس و کمونیسم قدیمی شده"، "کارگران دیگر اکثریت ندارند"، "طبقات جدیدی بوجود آمدند"، "مفاهیم نوینی شکل گرفتند"، لذا جامعه و تاریخ و تلقی انسان زیر و رو شده و دیگر سوسیالیسم و کمونیسم اتوپیهای بیحاصلی هستند. پس سرمایه داری "اذلی و ابدی" است، نهایتاً باید اصلاحاتی صورت گیرد!

در آستانه انقلاب انفورماتیک که مصادف بود با تغییرات در قطب بندیهای جهانی و پایان جنگ سرد، برای دوره ای بحث "جامعه اطلاعاتی" الوین تافلر و دانیل بن نفل زبان روشنفکران ناسیونالیست دیروز چپ و تازه دمکرات دنیای بعد از جنگ سرد شد. کتاب "موج سوم" و نظریه "جامعه پسا-صنعتی" تافلر چهارچوبی بود که از دل انقلاب انفورماتیک پایان تئوری و واقعیت جامعه طبقاتی، مبارزه طبقاتی و ماحصل این مبارزه که بناگیزر باید به دولتی انقلابی و کارگری ارتقا یابد را نفی میکرد. این نوع خیالپردازیهای ژورنالیستی از تحولات تکنولوژیک، که علی القاعده در هر جامعه نیچه عقلائی می یابست به کاهش ساعت کار، رفاه بیشتر، نفی انحصار دولتها بر اطلاعات و چرخش اطلاعات، دخالت بیشتر شهروندان جهان در مقدرات خویش و زندگی ایمن تر منجر شود، در دست بورژوازی به ابزار سلطه و کنترل مدرن بر شهروندان و تهاجم به دستاوردهای نسلهای متمادی طبقه کارگر منجر شد. در قدرت واقعی سیاست و دیدگاههای فوق راست تاجریسم و ریگانیسم و مانیتاریسم میداندار شد، در فلسفه سیاسی به "پایان تاریخ" و "پایان کمونیسم" فرانسیس

## از پرولتاریا تا "پریکریات"

"سوسیالیسم فقر" و اتوپی "بهشت سیاسی" سرمایه داری ...

جهانی" شکل دهد، تکمیل شد. این چند دهه تحولات ساختاری، تکنولوژیکی، ژئوپولیتیکی، سیاسی و اقتصادی بر موقعیت سوسیالیسم بعنوان یک جنبش و طبقه کارگر تأثیرات عمدتاً منفی و در جهاتی مثبت داشت. یک تأثیر مثبت این تحولات این بود که کارگر یکبار دیگر فرصت می یافت که بعد از سقوط سوسیالیسم های بورژوازی در شرق و غرب و جدائی تاریخی این نوع سوسیالیسم از کارگر و از مارکسیسم، اینبار با پرچم انتقادی- پراتیکی و تاریخی خویش و بعنوان یک جنبش واقعا سوسیالیستی کارگری قد علم کند که خود این نیز نیازمند تحولات مهمی در درون جنبش طبقه کارگر و بازگشت به سیاستها و جهتگیریهای سوسیالیستی بود.

### کار، کارگر، مبارزه طبقاتی

کار در بیان مارکسیستی در پایه ای ترین سطح بروز خلاقیت انسان برای رفع نیازهای متنوع اوست. کار در این معنا "شغل" نیست، "حرفه" نیست، گوشه ای از یک تقسیم کار دیکته شده و مُهره ای از یک ماشین نیست. کسی که کار میکند با کارش و محصول کارش و با همونوع خویش بیگانه نیست. صبح و ظهر و عصر و شب میتواند کارهای مختلفی که مفید است- مفید نه به معنایی که امروز بازار و جامعه بورژوازی درک میکند- انجام داد. "کار" اما در جامعه سرمایه داری یک اجبار است، یک تکرار فرسوده کننده جسم و روان است، یک کاربرد است، یک موقعیت در تولید است. کار با فرد کارکن و کارگر بیگانه است، فرد با محصول کارش بیگانه است، با همونوع بیگانه است. کارگر، یعنی کسی که حرفه ای دارد، برای امرار معاش ناچار به یافتن شغلی است، ناچار به فروش خلاقیت مادی و معنوی و قوه کار خویش است، جز این راهی ندارد، چون تامین نیازهای درگرو کار برای کسی یا کسانی است که انحصار و مالکیت ابزار کار را دارند. اگر کار نکند گرسنه میماند و از تداوم زندگی ساقط میشود و چه بسا فیزیکی نابود شود.

پرولتاریا، کارگران مزدی، کل کسانی که از طریق فروش کار خود امرار معاش میکنند، در قلمرو تولید مادی و غیر مادی، همراه با خانواده هایشان، بخش غیر شاغل و ارتش دخیل کار، بخشهای محرومتر طبقه کارگر که از سوخت و ساز اقتصادی بیرون افتاده اند، همه اینها طبقه کارگر را بعنوان یک پدیده اجتماعی و طبقاتی و اکثریت عظیمی در جوامع سرمایه داری امروز تشکیل میدهند. طبعا هر حقوق بگیری از جمله پاسبان و ارتشی و کشیش و مسیونر مذهبی و کسانی که در دستگاه نظامی و امنیتی و ایدئولوژیکی بورژوازی کار میکنند را جزو "مزدبگیران" بحساب نمیآوریم. مارکس در بحث "کار مولد و کار غیر مولد" این مهم و جزئیات را بدقت تبیین کرده است. واضح است طبقه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی بخشها و لایه های مختلف دارد، همه بخشهای طبقه کارگر اهرم اقتصادی در دست ندارند و مثلاً نمیتوانند با اعتصاب گلوی بورژوازی را بفشارند. بخشهایی محرومتر طبقه کارگر، حتی آنجا که تحت پوشش دولت اند، به هزینه طبقه کارگر و بخشی از کل سود تولید شده زنده نگاهداشته میشوند. اما در اینکه همه اینها چه شاغل و بیکار، چه کارگر صنعتی و چه کارگر

بخشهای تولید غیر مادی موسوم به خدماتی، آموزش و بهداشت و درمان و غیره، به خانواده بزرگ کارگری تعلق دارند نباید تردیدی وجود داشته باشد. مبارزه و کشمکش طبقاتی در اشکال مختلف و توسط بخشهای مختلف طبقه، در جامعه و حتی در قلمروهای انتزاعی تر بیوقفه در جریان است و همواره برسر بهبود و ارتقای وضع کارگران و شهروندان و نهایتاً تغییر بنیادی جامعه آنست.

بورژوازی با تقسیم کار در سازماندهی تولید تا رساندن کالا و خدمات به مصرف کننده در بازار، در سطوح مختلف تلاش دارد هویت واحد کارگر را بشکند، هر بخش را در مقابل دیگری بگذارد، کارگر را به ساده و فنی و متخصص و کارمند و حرفه ها و شغل های مختلف تقسیم کند. به بومی و غیر بومی و مهاجر و سفید و سیاه و مذهبی و غیر مذهبی قصابی کند، و از شکافهای درون طبقه و ایجاد تضاد کاذب در آن، کل طبقه را تضعیف و به این اعتبار سیر مبارزه طبقاتی را بنفع خود و سلطه سیاسی و اقتصادی و ایدئولوژیکی هدایت کند. در میان چپ و رگه هایی از آن نیز همین تلاش آگاهانه و ناآگاهانه صورت میگیرد. یکجا تنها کارگر صنعتی بعنوان پرولتاریا شناخته میشود، یکجا پرولتاریای صنعتی "فاسد" و "بورکرات" تلقی میشود و محرومترین بخشهای طبقه بعنوان کارگر هویت می یابند و برسمیت شناخته میشوند. دورانی "سوسیالیسم فقر" و نگرش مانویستی و استالینیستی ایرانی کارگران صنایع در اروپای غربی را اریستوکرات و رفرمیست تلقی میکرد که "فی الحال نان و کره اش را دارد و دنبال مرپا برای روی آن میگردد"، در صورتی که فقرا و گرسنگان آفریقا و هند و ایران نان شب هم ندارند. "سوسیالیسمی" که در فقر شدید کارگر جستجو میشد و نفس تشدید فقر را زمینه رشد عقاید انقلابی میدانست! آن سوسیالیسم متحجر متوجه نبود که رفاه نسبی بخش کمی از کارگران در غرب، از یکسو روی دوش مبارزات گسترده جنبش کارگری در این کشورها حاصل شده و از سوی دیگر، انعکاس تحمل بورژوازی این کشورها و جبران این "هزینه اضافی" به اعتبار استعمار عریان امپریالیستی در بیشتر کشورهای جهان و کسب فوق سود امکان یافته است.

امروز این نوع نگرش در اشکال دیگری خودنمایی میکند. مثلاً سرمایه داری بخشهای بیشتری از کارگران را به ارتش بیکاری بدون هیچ بیمه و حمایت اقتصادی پرتاب میکند. کارگر بیکار ناچار است به هر کاری تن دهد تا زنده بماند. از جمله "کولبری" و "دستفروشی" میکند و یا بسیاری شغل های کاذب و موقت دست و پا میکند. قبول کارکرد سرمایه بعنوان "واقعیات مُسجَل" در ادبیات چپ یک بیراهه است. کولبری و بساط در خیابان گذاشتن و دستفروشی شغل نیست، یک فوق اجبار اقتصادی برای زنده ماندن است. فرق دارد با حرفه بعنوان مثال کارگران ساختمانی یا نانوائی یا نساجی یا ترانسپورت و غیره. مضافاً دقت هم لازم است؛ بخش کمی از دستفروشان، خود صاحبان بوتیک ها و مغازه داران و خرده بورژواها هستند که برای ایجاد بازار جانبی دیگر، بخشی از اجناس شان را یا شخصاً و یا توسط اعضای خانواده در مقابل همان مغازه و در گوشه ای از خیابان بفروش میرسانند. بخشی کاسبکاران خرد هستند. واضح است بخش گسترده تری از آنها محرومانی هستند که مانند کسی که دانشگاهی هم بوده و ناچار به کولبری شده، این "شغل" را بعنوان کار انجام میدهد و یا بخشاً کار دوم و سوم برای ترمیم مخارج است. برای بخشی از چپ، که تمه همان "سوسیالیسم فقر" است، نفس "کولبر" و "دستفروش" و "بساطی" و "کارگر موقت" بودن ایده آلیزه میشود. بعنوان "شغل" برسمیت شناخته میشود و اعتراضش به جنایت رژیم علیه آنان محدود میشود. نقدی به سرمایه داری و تبدیل بخشی از



## از پرولتاریا تا "پریکریات"

"سوسیالیسم فقر" و اتوپی "بهشت سیاسی" سرمایه داری ...

طبقه کارگر به محرومانی که ناچار شدند برای لقمه ای نان دست به هر کاری بزنند ندارد. برای یک کمیونست و مارکسیست اینها بخشی از نیروی آماده بکار طبقه کارگر و کارگران مزدی اند که از چرخه اقتصاد به بیرون پرتاب شدند.

### از پرولتاریا تا پریکریات

در چهارچوب فکری "سوسیالیسم فقر" و ابداع هویت‌های کاذب و غیر تاریخی و غیر طبقه‌ای، "پریکریات" یا "بی‌ثبات کار" و "نابسامان کار"، آنهم بعنوان "یک طبقه جدید جهانی" معرفی میشود. در ایران و در میان چپ اروپا عناوینی مانند؛ "پیمانی"، "قراردادی"، "گاه کار"، "کار موقت"، "بی‌ثبات کار"، "کولبر"، "دستفروش"، "بساطی"، "گیگی"، "ناامن کار" و "مبهم کار آزاد" به وفور استفاده میشود. این اسامی به "حرفه" و "شغل" حتی بمعنای بورژوازی آن ارجاع نمیکند بلکه تلاش دارد اسم کارگر و کارگران مزدی را خط بزند و هویت‌های کاذبی به اجزا و بخش‌های مختلف توده های یک طبقه اجتماعی بدهد. لذا ناچار است خود پرولتاریا را هم پدیده ای ضعیف، تمام شده، نسنالزیک، از تحولات تکنولوژیک و ارتباطی دور افتاده، سنتی و غیره معرفی کند تا زدن زیر موجودیت طبقه کارگر و مبارزه طبقه‌ای و اساس کمیونسم و مبارزه برای سوسیالیسم راحت تر باشد. اینجا دیگر "سوسیالیسم فقر" یک قدم عقبتر می‌رود تا در لباس مصلح و خیرخواه ظاهر شود و به بورژوازی پند و اندرز دهد که ادامه وضع به این شکل ممکن نیست، لذا باید چیزی به این خیل وسیع، "طبقه جدید پریکریات" بدهد تا جامعه (بخوانید بورژوازی) تعادلش را حفظ کند!

"پریکریات" بعنوان "یک طبقه جدید" و "بزرگترین طبقه و جمعیت دنیا" توسط "گای استندینگ" یک عنوان من درآوردی و پوچ است. استندینگ که سالهای طولانی بعنوان اقتصاددان سازمان بین‌المللی کار فعالیت داشته است، از مشاهداتی در تحولات سرمایه داری و عمدتاً کشورهای غربی شروع میکند و براین نظر است که جذب نیروی وسیع کار بعد از انقلاب صنعتی و تمرکز پرولتاریا در صنایع بزرگ یک روند ثابت در سرمایه داری نیست بلکه یک اتفاق نادر بوده است و چنین روندی در کشورهای مختلف و در سیاست‌های توسعه اقتصادی پیش نمی‌رود. برعکس، بدلیل اتوماسیون و انتقال کارخانجات به کشورهای دیگر، ظهور چین با یک نیروی کار وسیع و صدور نیروی کار صدها میلیونی به بازارهای دنیا با دستمزدهای پائین، ایجاد نامنی شغلی و بهم خوردن چهارچوبهای سابق و روند جهانی شدن، الگوهای کار نیز تغییر کردند. لذا ما با پدیده جدیدی روبرو هستیم و آن اینست که میلیاردها نفر یا کار ندارند یا کار ناامن و موقت و فاقد ثبات دارند. این بخش گسترده از نظر وی برخلاف پرولتاریا فاقد کاری ثابت و ایمن است، فاقد امنیت شغلی، فرصتهای مناسب، امنیت در مقابل اخراج، آموزش مستمر و موانع تضعیف مهارت، مقررات سلامت، درآمد پایدار و مطمئن است. این ارکان سابق در دوره جهانی شدن از بین رفته اند. این بخش گسترده "پریکریات" در اقتصاد غیر رسمی و بیقاعده و در حاشیه شهرهای بزرگ یک قشر گسترده "بی‌ثبات کار" را تشکیل داده اند.

استندینگ در واقع نیروی وسیع بیکاران و کارگران مزدی در جهان را نمیخواهد بعنوان نیروی طبقه کارگر تعریف کند، از نظر وی اینها پرولتاریا نیستند. پرولتاریا دیگر، با خصوصیات دقیقاً برعکس این پریکریات، وجود ندارد. او جهان را با یک سیستم هفتگانه تعریف میکند که در قعر آن "بی‌ثبات کاران" بعنوان "یک طبقه جدید جهانی و خطرناک" شکل گرفته است. طبقه ای که بزعم وی "وصله ناجور جامعه است که با تفاله های جامعه زندگی میکند!" "پریکریات" شخصیت ندارد، به هر فرمی درمیاید، به هرچه قانع است، خشن و بی‌ثبات است، اما میشود به آنها "کمک هزینه پایه" داد تا بتوانیم یک "بهشت سیاسی" ایجاد کنیم! به نظر این اقتصاددان بورژوا با توصیفی که از بخش عمده نیروی کار رفت، چنانچه بورژوازی خیرخواهانه آن اتوپی "بهشت سیاسی" را ایجاد نکند، یعنی یک حقوق پایه همگانی و حق آموزش و شهروندی و امنیت اقتصادی ندهد، این "پریکریات" بویژه بخش بد آن میتواند نیروی فاشیسم شود. از امثال "توماس پیکتی" تا "گای استندینگ" بعنوان مختلف برای نجات سرمایه داری تلاش دارند "چهره انسانی" به سرمایه دهند تا اساس این نظام در مقابل "خطر" سوسیالیسم حفظ شود.

هم اصلاح استندینگ و هم استدلالها و هم مشاهداتش محدود و غیر تاریخی و غیر واقعی است. این ادعاها در سطح تحلیل بیشتر به تصورات خیالی‌پردازانه "موج سوم" تافلر شبیه است. اولاً مشاهدات وی به کشورهای صنعتی محدود میشود. ثانیاً بخش بسیار وسیعی از نیروی کار در جهان در شرایط بسیار ناامن تری و با دستمزدهای دو دلار در روز بسر می‌برند. ادعای کشف "یک طبقه بزرگ جهانی" آنهم علیه پرولتاریا، آنجا با همان "بهشت سیاسی" موعود در تناقض قرار میگیرد که برای بخش وسیعتر نیروی کار در جهان اصلاح طلبی اش می‌خشکد! بنا بر گزارش استخدامی جهانی سازمان بین‌المللی کار، آمار آسیب پذیران کار در کل آمریکا و اتحادیه اروپا رقمی بین ۴۷ تا ۴۸ میلیون نفر و کمتر از چهاردرصد کل نیروی کار این کشورهاست. همین آمار در جنوب آفریقا قریب ۲۴۷ میلیون نفر، در شرق آسیا بیش از ۴۰۵ میلیون نفر و در جنوب آسیا ۴۹۰ میلیون نفر است. اقتصاد هندوستان اساساً روی دوش "بی‌ثبات کاران" است. بیش از نود درصد نیروی کار هندوستان از طریق کار در اقتصاد غیر رسمی و بی‌قاعده امرار معاش می‌کنند. یعنی کل جمعیت خانواده کارگری از زن و مرد و پیر و جوان و کودک باید مشترکاً جان بکنند تا نانی و دستمزدی دریافت کنند.

اقتصاددان طرفدار "بهشت سیاسی" با اتکا به حقوق پایه همگانی البته روشن نمیکند این کارگران و بقول وی "بی‌ثبات کاران" برای چه کسانی "خطر" محسوب میشوند. ارزان کردن نیروی کار در چند دهه گذشته همه جای دنیا و بدرجات مختلف محصول "انعطاف پذیری کار" و شرکتهای وسیع پیمانی و مولتی ناسناله ها با هدف تضعیف و حتی داغان کردن سازمانهای کارگری برای سلب واکنش جمعی و طبقه‌ای آنان بوده است. از بحث دفاع از فردیت در تقابل با قراردادهای دستجمعی در دهه هشتاد تا انواع اصلاحات بنفع سرمایه ها و بضرر نیروی کار ماحصل این سیر بوده و نابودی گسترده امنیت شغلی یک نتیجه آنست. انکار پرولتاریا و طبقه کارگر و اختراع "بی‌ثبات کار" جواب نیست. روشن است در همین بخشهای غیر رسمی تر جمعیت کارکن؛ مقولاتی مانند کار و قوه کار و کارگر یک معنی را ندارند و ایجاد هر بخش غیر رسمی در اقتصاد سطوح مختلفی از استثمار و کسب سود را مد نظر دارد. اما در اینکه کل این مجموعه بدرجات مختلف توسط سرمایه استثمار میشوند تردیدی نباید وجود داشته باشد در غیر اینصورت باید منشا سود و



## پیام اول مه، روز جهانی کارگر!

### فخری جواهری

زنده باد روز صاحبان جهان!

کارگران، هم طبقه ای ها، ای کسانی که هر روز چرخ های ماشین جهان را می‌گردانید، ای ناجیان جهان، ای تولید کنندگان همه ثروت عالم، ای همه چیزان که در سرمایه داری هیچ چیز محسوب می‌شوید... روزتان مبارک، روزمان مبارک، اول مه مبارک، عید کارگران جهان مبارک!

با افتخار می‌گویم من کارگرم، از خانواده کار و زحمتم، از نسل های متمدنی طبقه کارگرم! من را در خانه ای خشتی، روی سنگ معدن، در محله ای فقر زده دنیا آوردند... من، تو، ما، همه غارت شدگانیم، اگر زنده ایم و زنده نگاه داشته شده ایم، برای اینست که کار کنیم و کار کنیم تا باز بپرچانیم چرخ جهان را، تولید کنیم نیاز بشر را، و سود به سود سرمایه دار تلمبار کنیم!

از ایران و برزیل و ترکیه تا کره و آمریکا و فرانسه، هر جا و همه جا صفمان بخون کشیده شد. چرا، چون صرفاً بخشی از ثروتی که خود خالقش بودیم را مطالبه کردیم. اول مه مان، تاریخ طبقه مان، با آتش و خون نوشته شده است. پرچم مان سرخ، آرزویمان آزادی جهان و هدفمان تغییر رادیکال و ریشه ای است.

سرمایه داری گندیده است درست بسان سرمایه داران و دولت‌های جنایتکار علیه کارگران. نوبت ما هم می‌رسد، در پس یکی از این بحران‌ها، اینجا آنجا نمی‌دانیم کجا، اما نوبت ما هم می‌رسد!

آنروز در هم می‌کوبیم کهنه جهان جور و ستم، آنروز جارو می‌کنیم قوانین و نظام بردگی، آنروز آغاز می‌کنیم دنیای نو، دنیای کارگران، دنیای سوسیالیسم، دنیای انسان آزاد را!

آن روز برمی‌گردانیم تمام ثروت و خلاقیت آبا و اجدادمان را، خوشبختی و سعادت و آزادی را برپا می‌کنیم، قانون بردگی مزدی و هر نوع بردگی را ور می‌اندازیم، تا بشکند گلهای سوسیالیسم، تا دیگر طبقه ای نباشد، کودک کاری نباشد، کسی از گرسنگی تباه نشود و روی دوش فقر و ناداری کاخ‌ها بپا نشود!

آنروز دور نیست، آنروز هر شب در قلب من فریاد می‌زند، و بیشتر از هر روز در اول مه، در روز کارگران جهان!

زنده باد اول مه، زنده باد اتحاد صفوف و مبارزه انقلابی کارگران برای یک دنیای بهتر!

\*\*\*

## از پرولتاریا تا "پریکریات"

"سوسیالیسم فقر" و اتوپی "بهشت سیاسی" سرمایه داری ...

انباشت سرمایه را در آسمانها جستجو کنیم! طبقه کارگر همواره لایه های مختلفی دارد و ضرورتاً هر بخش توانایی و ویژگیها و موقعیت بخشهای دیگر را ندارد. ایجاد شکاف بین بخشهای مختلف طبقه با این هویتهای کاذب و نهایتاً انکار طبقه و مبارزه طبقاتی و تقابل برای وحدت بخشهای مختلف طبقه کارگر با این تئوریهای ارتجاعی، تنها خدمت به سلطه سرمایه و تداوم این مناسبات استثماراری نظم کنونی است.

۳۰ آوریل ۲۰۲۰

### کارگران جهان متحد شوید!

در اول مه نه شاهی تاجگذاری کرده است، نه مذهبی آمده است، و نه "ملتی" درست شده است! اول مه روز یک طبقه جهانی، روز یک جنبش بین المللی کارگری است که برای تغییر ریشه ای جهان، برای انقلاب کمونستی مبارزه میکند!

اول مه روز صاحبان واقعی جهان است! روز بشریتی است که جهان بدون کار او نمیتواند سرپا بماند! روزی است که اسپارتاکوس های این جنبش، رهبران کمونیسیت و سوسیالیست کارگران، اعلام میکنند: برای رهائی جامعه راهی جز انقلاب کارگری، انقلاب بردگان مزدی، علیه سیستم بردگی مزدی وجود ندارد!

زنده باد اول مه!

زنده باد انترناسیونالیسم کارگری!

زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیسیت کارگری ایران - حکمتیست

آوریل ۲۰۲۰

[www.hekmatist.org](http://www.hekmatist.org)

## منصور حکمت را بخوانید

## و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

[www.hekmat.com](http://www.hekmat.com)

## زنده باد اول مه!

أفق طبقه کارگر ملی نیست، مذهبی نیست، جنسیتی نیست، استقلال طلب و خودمختاری طلب نیست، منفعت صنف خاصی را دنبال نمیکنند، دین ویژه ای نمی آورد و در پی احیای سنت های عتیق و باستانی بشر نیست. کارگران میخواهند مبنای نظم مبتنی بر تبعیض و نابرابری، نظم مبتنی بر استعمار کار مزدی و مالکیت خصوصی را تغییر دهند. اول مه پرچم طبقه کارگر رادیکالی است که تغییر این جهان وارونه و نظم سرمایه داری را امر فوری خود میدانند. اگر جنبشها و طبقات دیگر آزادی قسمتی و حقوق ویژه ای را نهایت اهداف خود قرار داده اند، طبقه کارگر در عین طرح مطالبات بلاواسطه اش، که آنهم در چهارچوب رفاه همگانی قرار دارد، پرچم آزادی انسان از سلطه و انقیاد سیاسی و اقتصادی سرمایه داری و مناسبات بردگی مدرن مزدی را برافراشته است. این یعنی کارگر برای آزادی ناچار است همه را آزاد کند و در اسارت نگهداشتن بخشی از جامعه منفعتی ندارد. این یعنی طبقه کارگر آزاد نمیشود مگر اینکه کل جامعه را آزاد کند.

## زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

آوریل ۲۰۲۰

## دولت را موظف کنیم!

- بیدرنگ شهرها و مناطق بحرانی را قرنطینه کند، نیازهای درمانی، بهداشتی، معیشتی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تامین و تضمین کند!
- نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی کلیه ساکنین ایران را به فوریت تامین کند!
- بیشترین امکانات و بودجه را به کادر درمان و نیازهای درمانی اختصاص دهد!
- کلیه مراکز تولیدی و خدماتی اعم از دولتی و خصوصی را تعطیل کند. تداوم فعالیت مراکز ضروری و اورژانس، بصورت شیفی با کاهش ساعات کار تضمین شود!
- حقوق کارگران و پرسنل واحدهای تولیدی و خدماتی بدون کاهش یا تعویق پرداخت شود!
- هر نوع اخراج و بیکارسازی توسط کارفرمایان ممنوع شود!
- کودکان کار و خیابان، بی مسکنان و معتادین را در مراکز ویژه با رعایت کامل کرامت انسانی و تامین نیازهای معیشتی و بهداشتی آنان اسکان دهد!
- وسائل بهداشتی از قبیل ماسک، دستکش و شوینده ها بصورت رایگان توزیع شود!
- لغو پرداخت قبوض آب و برق و گاز و اجاره و تلفن تا فائق آمدن کامل به بحران!
- لغو پرداخت بدهی و دیون مردم به بانکها تا پایان بحران و برگشت به وضعیت عادی!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

### به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفاً کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی کمونیست

زنده باد سوسیالیسم!